

درآمدهای نفتی و سیاست‌های رفاهی؛ تجربه‌ای از برخی کشورهای نفتی^۱

خیام عزیزی‌مهر^۲

چکیده

هدف: هرچند تمام کشورها برنامه‌هایی برای رفاه شهروندان دارند، اما کمیت و کیفیت برنامه‌ها و میزان موفقیت آنها در دستیابی به اهداف ترسیم شده متفاوت است. یکی از عوامل مؤثر بر این امر منابع تأمین مالی آنها است. مهم‌ترین منابع تأمین مالی این برنامه‌ها مالیات و درآمدهای عمومی دولت‌ها و فروش منابع طبیعی است. کشورهای نفت‌خیز، از جمله ایران، به خاطر برخورداری از درآمدهای نفتی شکل ویژه‌ای از خدمات رفاهی را ارائه می‌کنند. برنامه‌های رفاهی در برخی از کشورهای نفتی مثل نروژ، سرنوشت متفاوتی از دیگر کشورهای نفتی دارند. بررسی برخی از عواملی که این تفاوت را رقم می‌زند هدف مقاله حاضر است.

روش: برای بررسی هدف فوق نیازمند داده‌هایی هستیم که از قوانین، سیاست‌ها، و اسناد مرتبط با موضوع در کشورهای مورد بررسی به دست آمده‌اند. بنابراین، روش مورد استفاده در این مقاله بررسی اسنادی است.

یافته‌ها و نتیجه: مطابق با یافته‌ها، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر چگونگی مدیریت درآمدهای نفتی و شیوه تخصیص آن به حوزه‌های رفاهی شرایط مقدم، یعنی برخورداری از نهادهای قوی و کارآمد و سطح توسعه‌یافتگی پیش از ورود درآمدهای نفتی به بودجه کشورها، است. علاوه بر این، تعهد نخبگان سیاسی و سیاست‌گذاران به آیندگان نیز امر مهمی در این زمینه محسوب می‌شود. کشورهای به اصطلاح رانتیر معمولاً با دست‌ودل‌بازی بیشتری منابع نفتی را در راه رفاه نسل کنونی هزینه کرده و به توسعه نظام مالیات‌گیری کمتر توجه می‌کنند. لذا، در این کشورها مزایای رفاهی فاقد نقش توزیعی بوده و بازتوزیع درآمدهای نفتی صورت نمی‌گیرد و دارای نابرابری نسبتاً بالایی هستند.

واژگان کلیدی: درآمدهای نفتی، دولت رانتیر، کشورهای نفت‌خیز، مزایای رفاهی، نابرابری اجتماعی

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «تأثیر درآمدهای نفتی و سیاست‌های رفاهی در ایران» است که با حمایت مالی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی انجام شده است.

۲- دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، استادیار گروه توسعه و سیاست‌گذاری اجتماعی دانشگاه تهران khazizimehr@ut.ac.ir

۱. بیان مسئله

با وجود اینکه دولت‌های امروزی کم‌وبیش دارای سیاست‌های رفاهی هستند، اما همه دولت‌ها در این زمینه یکسان و به یک شیوه عمل نمی‌کنند. این نکته موفقیت و عدم موفقیت برنامه‌ها را شکل می‌دهد؛ تاجایی که خدمات رفاهی در برخی کشورها، به‌ویژه در اروپای غرب و حوزه اسکانديناوی، توانسته وضعیت گروه‌های اجتماعی مختلف را بهبود بخشد و از گسترش فقر جلوگیری کند، اما در پاره‌ای کشورهای دیگر، به‌رغم انجام هزینه‌های فراوان، بسیاری از افراد و گروه‌ها از دسترسی به خدمات رفاهی با کیفیت محروم هستند. در ایران معاصر نیز برنامه‌های رفاهی در دستور کار دولت‌ها قرار داشته است. هرچند به موازات تغییرات سیاسی و اقتصادی در کشور، برنامه‌های رفاهی نیز دست‌خوش تغییراتی شده‌اند، اما پیوستگی و تداوم خود را حفظ کرده‌اند.

با وجود ارائه خدمات رفاهی و اجرای برنامه‌های رفاهی متعدد در ایران، هنوز تا دستیابی به وضعیت رفاهی پایدار برای شهروندان فاصله زیادی وجود دارد؛ بدین معنا که تعداد افراد زیر خط فقر نسبتاً بالا بوده، بیش از ۲۵ درصد از خانوارهای کشور، حاشیه‌نشین و فاقد مسکن با کیفیت هستند^۱، بسیاری از افراد، دسترسی مناسبی به خدمات بهداشتی و سلامت با کیفیت ندارند و نابرابری همچنان در جامعه نسبتاً بالاست؛ مطابق با گزارش مرکز آمار ایران ضریب جینی در سال ۱۳۹۹ برابر با ۰,۴۰۰۶ و نسبت هزینه ۱۰ درصد پردرآمدترین به ۱۰ درصد کم‌درآمدترین جمعیت در این سال برابر با ۱۳,۹۶ است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰: ۵). بررسی روند نابرابری در سال‌های پس از انقلاب نشان می‌دهد که این شاخص در یک مدار سینوسی حرکت کرده است. این نابرابری درآمدی نابرابری در حوزه‌های مصرف (نظیر سلامت، فراغت، آموزش و ...) را رقم زده که در مواردی حتی شدیدتر از خود نابرابری درآمدی هستند^۲. نرخ تورم در کشور معمولاً دو رقمی بوده و میانگین آن در ۴۰ سال منتهی به ۱۳۹۵ برابر با ۱۸ درصد بوده است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۹/۴/۳۱) که این شرایط وضعیت معیشت گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای را شکننده کرده است. موارد فوق نشان می‌دهند که گروه‌های زیادی از شهروندان در تأمین رفاه با مشکل مواجه هستند و نظام حمایتی به‌اندازه‌ای نبوده است که یک وضعیت رفاهی پایدار را برای همگان در جامعه ایجاد کند.

موفقیت و عدم موفقیت چنین برنامه‌ها و خدمات رفاهی متأثر از عوامل متعددی است؛ از قبیل بستر شکل‌گیری آنها، شرایط نهادی و ساختاری، اقتصاد سیاسی و منابع تأمین مالی و میزان پایبندی و جدیت دولت‌ها در تحقق این کار ویژه. با وجود اهمیت داشتن همه این عوامل، در هر جامعه‌ای ممکن

۱- آمارهای متفاوتی درباره میزان حاشیه‌نشینی و بدمسکنی در کشور ارائه می‌شود که اکثر این آمارها میزان آن را بالای ۲۵ درصد عنوان کرده‌اند.

۲- برای نمونه واعظ مهدوی و واعظ مهدوی (۱۳۹۷) و مهرالحسنی و همکاران (۱۳۹۵) نابرابری در حوزه سلامت و امیدوی و همکاران (۱۳۹۷) نابرابری در آموزش را نشان داده‌اند که شدت آن از نابرابری درآمدی بیشتر است.

است وزن برخی عوامل بیش از سایر عوامل باشد که از جمله آنها منبع تأمین مالی درآمدها است. مهم‌ترین منبع مالی تأمین درآمدها در کشورهای مختلف مالیات و فروش منابع طبیعی، نظیر نفت، است. مطابق با ادبیات نظری این حوزه، کشورهای دارای درآمدهای هنگفت نفتی، که به دولت‌های رانتیر معروف هستند، معمولاً توان شکل‌دهی نهادهای کارآمد را ندارند و در چنین چارچوب نهادی، سیاست‌گذاران نیز فاقد دوراندیشی لازم برای طراحی و اجرای سیاست‌های کارآمد هستند؛ لذا، معمولاً در ایجاد رفاه پایدار برای جامعه دچار مشکل می‌شوند.

در ایران معاصر نیز باوجود اینکه درآمدهای نفتی، منابع مالی لازم را برای ایجاد رفاه پایدار در جامعه فراهم کرده، اما سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی به‌شکلی نبوده‌اند که در دستیابی به این هدف موفق عمل کنند. نبود نهادهای کارآمد، عدم انگیزه برای اصلاحات نهادی و عدم شکل‌گیری تعامل مناسب بین نظام تصمیم‌گیر و جامعه مدنی از جمله عوامل کارآیی پایین برنامه‌های رفاهی بوده که این موضوع تحت تأثیر درآمدهای نفتی قرار داشته است (عزیزی‌مهر، ۱۳۸۹). بدین ترتیب، در ایران معاصر درآمدهای نفتی ابزار مهمی در نظام سیاست‌گذاری کشور بوده که به منابع تأمین برنامه‌های رفاهی تبدیل شده و به‌موازات تغییر در درآمدهای نفتی خدمات رفاهی نیز دستخوش تغییر شده‌اند. مقاله حاضر با بررسی تجربه رفاهی کشورهای دارای درآمدهای نفتی سعی دارد تا عملکرد برنامه‌های رفاهی را در پیوند با درآمدهای نفتی مورد بررسی قرار دهد.

برای بررسی هدف فوق‌نیازمند داده‌هایی هستیم که از قوانین، سیاست‌ها، و اسناد مرتبط با موضوع در کشورهای مورد بررسی به‌دست آمده‌اند. بنابراین، روش مورد استفاده در این مقاله بررسی اسنادی است؛ یعنی ما نیازمند داده‌هایی هستیم که قبلاً تولید شده و در اسناد و گزارش‌های رسمی، نظیر اسناد برنامه‌ها، بودجه‌ها، گزارش‌های بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و دیگر سازمان‌های مربوطه، انتشار یافته‌اند. در مورد داده‌های سایر کشورها نیز به همین طریق عمل شده و از گزارش‌های رسمی آنها داده‌های موردنیاز به دست آمده است.

۲. سیاست‌های رفاهی

۱-۲. حوزه‌های سیاست‌گذاری رفاهی

سیاست‌های رفاهی مدرن به‌عنوان برنامه‌ها و خدمات دولتی تلقی می‌شوند که نابرابری‌های اقتصادی حاصل از ریسک‌های درآمدی را اصلاح می‌کنند و در شرایطی خاص برای گروه‌های خاصی از شهروندان ارائه می‌شوند. با این مفهوم‌سازی مدرن از سیاست اجتماعی، اندیشمندان برنامه‌های بیمه اجتماعی

را در مرکز سیاست اجتماعی قرار می‌دهند (فلورا و هایدن‌هایمر، ۱۹۸۱)، و مساعدت‌های اجتماعی مبتنی بر آزمون وسع و برنامه خدمات اجتماعی در مرتبه دوم قرار می‌گیرند (آمنتا و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۱۴-۱۵). سیاست‌گذاری رفاه اجتماعی برای تثبیت و بهبود زندگی اقتصادی اجتماعی جامعه و کنترل و کاهش اثر ریسک‌ها است که حوزه‌های متعددی را پوشش می‌دهد. دسته‌ای از این سیاست‌ها معطوف به کاهش پیامدها و اثرات حوادث ناخوشایند بر زندگی افراد است که عمدتاً بیمه‌های اجتماعی را شامل می‌شود. هدف آنها اطمینان حاصل کردن افراد از این امر است که زندگی آنها حداقل در آینده‌ای کوتاه بر اثر حوادث ناخوشایند دچار نابسامانی زیادی نخواهد شد و چنانچه اتفاقی، نظیر بیماری یا بیکاری، در زندگی عادی آنها رخ دهد برنامه‌هایی برای جبران بخشی از هزینه‌های زندگی وی وجود دارد. دسته‌ای دیگر از سیاست‌های رفاه اجتماعی مربوط به پرداخت‌هایی است که توسط نهادهای رفاهی به برخی گروه‌ها انجام می‌شود؛ نظیر مساعدت‌های اجتماعی، که از آن به‌عنوان «راهبردهای حمایتی» یاد می‌شود. همچنین، دولت‌ها نیز قواعدی را تصویب می‌کنند که ممکن است بر بازار کار تأثیر بگذارند، از قبیل قواعد مرتبط با ساعات کار، قراردادهای استخدامی، و سیاست‌های استخدامی مربوط به ورود و خروج از بازار کار، «قواعد دولتی راجع به امنیت و سلامت حرفه‌ای و دیگر شرایط کار» (لایبفیرد، ۱۹۹۲: ۹۹)؛ این شکل مداخله دولت «قواعد اجتماعی» نامیده می‌شود (ماژون، ۱۹۹۳). دسته دیگر سیاست‌ها شامل مداخلاتی است که دولت‌ها در بازار انجام می‌دهند تا بتوانند تقاضاها را تنظیم کنند و اشتغال را به سمت مطلوب و موردنظر هدایت کنند. این‌گونه مداخلات برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی در زمینه امور داخلی جامعه است و سیاست‌گذاری در حوزه آموزش، بهداشت، مسکن، اشتغال، فقرزدایی و نابرابری را شامل می‌شود. در مقاله حاضر به این دسته از سیاست‌های رفاهی پرداخته می‌شود.

۲-۲. تبیین نظری درآمدهای نفتی و سیاست‌های رفاهی

عمده بحث‌های نظری در حوزه درآمدهای نفتی و اثرگذاری آن بر رفاه در چارچوب فرضیه «نفرین منابع» صورت‌بندی شده‌اند و بیماری هلندی، دولت رانتیر و اقتصاد نهادی سه چارچوب نظری در اقتصاد سیاسی هستند که به تبیین فرضیه نفرین منابع می‌پردازند (فتح‌اللهی و نجفی، ۱۳۹۹). چنین دولت‌هایی معمولاً به‌لحاظ مالی از جامعه استقلال پیدا می‌کنند که «باعث می‌شود دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات مختلف در قدرت نبیند» (بشیریه، ۱۳۸۲: ۸۰) و بدون نیاز به پاسخگویی به جامعه درآمدهای خود را هزینه کند و جایگاهی برای مشارکت گروه‌های اجتماعی در نظر نگیرد. اما در کشورهایی که سیاست‌ها از منابع مالیاتی تأمین مالی می‌شوند، دولت‌ها ناچارند در قبال هزینه‌کرد این درآمدها به جامعه پاسخگو باشند. بدین ترتیب، «وقتی دولت‌ها برای تأمین مالی اهداف توسعه‌ای مجبور نیستند به مالیات‌ستانی داخلی وابسته باشند، حکومت‌ها الزامی نخواهند داشت تا اهداف خویش را تحت نظارت دقیق شهروندانی که صورت‌حساب

مالیاتی می‌پردازند، تدوین کنند» (کارل، ۱۳۸۸: ۲۹۰-۱). براساس دیدگاه‌های فوق، اتکا به درآمدهای نفتی هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت پیامدهای رفاهی مثبتی به همراه داشته باشد، اما در بلندمدت رشد اقتصادی و رفاه را کاهش می‌دهد و افق دید سیاست‌گذاران را کوتاه می‌کند که منجر به اتخاذ سیاست‌های نسنجیده و شتاب‌زده‌ای (مهدوی، ۱۹۷۰) می‌شود که تأثیر پایداری بر رفاه جامعه ندارند. پژوهش‌های تجربی این حوزه نیز عمدتاً بر رهیافت‌های نظری مرتبط با دولت رانتیر، بیماری هلندی، استقلال دولت از جامعه، تضعیف قانون‌گرایی به خاطر اتکا به ثروت‌های سهل‌الوصول، ضرورت دموکراسی و شکل‌گیری نهادهای کارآمد، پاسخ‌گو و رفاه‌گرا برای نیل درآمدهای نفتی به رفاه پایدار برای شهروندان استوار هستند. مطابق با این دیدگاه‌ها، افزایش رفاه ناشی از درآمدهای نفتی یک رفاه پایدار و فراگیر نیست، بلکه رفاه ایجاد شده به شدت وابسته به درآمدهای نفتی بوده و گروه‌هایی که نزدیکی و دسترسی بیشتری به کانون‌های قدرت، دولت و حاکمیت دارند سهم بیشتری از توزیع این منابع به دست می‌آورند؛ لذا هم نابرابری افزایش می‌یابد و هم دولت از جامعه استقلال پیدا می‌کند. پژوهش حاضر نیز در تحلیل‌های خود به این دیدگاه‌ها نظر داشته است.

۳. تجربه‌ای از سیاست‌های رفاهی در برخی کشورهای دارای درآمدی نفتی

در این بخش به بررسی خدمات و مزایای رفاه در برخی از کشورهای نفتی پرداخته می‌شود تا در پرتو آنها بتوان تصویری از ارتباط درآمدهای نفتی با برنامه‌های رفاهی ارائه کرد.^۱

۳-۱. قطر

منبع اصلی درآمد کشور قطر درآمد نفتی و گازی است که با جمعیت کم (۲۹۳۰۵۲۴ نفر در سال ۲۰۲۰) دارای درآمدهای بسیار بالایی از فروش این منابع است و توانسته به اتکای آن سیستم رفاهی را شکل دهد. علاوه بر این، کشور قطر یکی از بیشترین نرخ‌های سرانه تولید ناخالص داخلی در دنیا را داراست؛ به گونه‌ای که مطابق با گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱) در سال ۲۰۲۰ بیش از ۸۵ هزار دلار بوده است. درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز معمولاً بیش از ۷۵ درصد و برخی سال‌ها تا بیش از ۸۰ درصد درآمدهای این کشور را تشکیل می‌دهد. حاکمیت هم توانسته به پشتوانه این درآمدهای هنگفت خدمات رفاهی دست‌و‌دل‌بازانه و بدون نگرانی از محدودیت منابع مالی را برای شهروندان ارائه کند.

۱- مطالب و آمار مربوط به هر کشور از منابعی است که در پاورقی ذکر شده‌اند. مطالب این بخش با همکاری خانم آرمیتا هومان، فارغ‌التحصیل کارشناسی برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشگاه تهران گردآوری شده است.

جدول ۱: سهم درآمدهای نفتی و غیرنفتی از کل درآمدهای قطر و سهم بودجه رفاهی از بودجه و تولید ناخالص داخلی^۱

۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	
۵۱/۷۲	۴۱/۲۳	۲۸/۲	۲۳/۳۱	سهم بودجه رفاهی از بودجه عمومی دولت
۱۴/۸۶	۱۲/۵۴	۹/۰۹	۸/۹۶	سهم هزینه رفاهی از تولید ناخالص داخلی
۸۵/۶۵	۸۵/۵	۸۲/۹۵	۷۵/۹۵	سهم درآمدهای نفتی کشور از کل درآمدها
۱۴/۳۵	۱۴/۵	۱۷/۰۵	۲۴/۰۴	سهم درآمدهای غیرنفتی کشور از کل درآمدها

این نوع درآمدها امکان در اختیار گذاشتن خدمات رایگان بهداشت و درمان، تأمین مسکن، آموزش رایگان به همراه تغذیه، لباس و حمل و نقل دانش آموزان، اعطای بورس به دانشجویان برای تحصیل در دانشگاه قطر یا دانشگاه‌های خارجی را برای دولت فراهم می‌کند. در کشور قطر سهم هزینه‌های رفاهی از بودجه عمومی دولت نسبتاً بالا است که عمدتاً حدود بیست و پنج تا پنجاه درصد بودجه عمومی دولت و گاهی تا نزدیک ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی را خود اختصاص می‌دهد. دولت قطر در زمینه‌های رفاهی بیش از همه بر آموزش، بهداشت و مسکن متمرکز است و در اغلب سال‌ها سهم آموزش از بودجه سالیانه بیش از دو حوزه دیگر است، برای مثال در سال‌های اخیر حدود ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی را به حوزه آموزش اختصاص داده است.

به پشتوانه همین امر شاهد بهبود شاخص‌های مختلف اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی در این کشور هستیم، به گونه‌ای که شاخص توسعه انسانی در این کشور وضعیت خوبی دارد؛ برای نمونه، مطابق با گزارش بانک جهانی، امید زندگی در این کشور بالای ۸۰ سال، بیکاری نزدیک به صفر درصد، و میانگین سال‌های تحصیل برابر با ۹٫۷ سال است. با وجود این، میزان نابرابری در قطر نسبتاً بالا است؛ آخرین محاسبه ضریب جینی برای این کشور مربوط به سال ۲۰۰۷ است که مقدار آن را ۰٫۴۱ برآورد کرده است.

۳-۱-۱. آموزش

از سال ۱۹۵۲ نظام جامع آموزشی در قطر به راه افتاد. از آن پس آموزش رایگان در اختیار تمام شهروندان قرار گرفت. در سال ۲۰۰۴، دولت اصلاحاتی اساسی در این نظام ایجاد کرد تا آن را به سمت مدرن

1- Qatar Ministry of affairs: mofa.gov.qa, World Bank: data.worldbank.org

شدن ببرد و با استانداردهای جهانی تطبیق دهد. به‌علاوه امکان تحصیل دانشجویان در کشورهای توسعه‌یافته را برای پیشرفت علم و تکنولوژی ایجاد کرد. این کشور اهداف آموزشی خود را ارتقای توانایی دانش‌آموزان مطابق با استانداردهای جهانی و تأکید بر ارزش‌های دینی و ملی برای ارتقای همبستگی اجتماعی می‌داند.

۳-۱-۲. بهداشت

در تمام نقاط کشور مراکز بهداشت و درمان مجهزی وجود دارند که خدمات رایگان را به همه شهروندان ارائه می‌کنند. وزارت بهداشت و درمان این کشور در تلاش است تا با تشخیص کاستی‌های نظام بهداشت فعلی به استراتژی درست توسعه دست یابد و خدمات بهداشتی را گسترش دهد. با این حال، در این مدت تمام بیمارانی که درمان آنها در درون کشور میسر نیست، با هزینه دولت می‌توانند در کشورهایی که دارای تجهیزات لازم هستند، درمان شوند. در کنار بخش عمومی از سال ۲۰۱۹ چهار بیمارستان چندتخصصی توسط بخش خصوصی در این کشور تأسیس شده است.

۳-۱-۳. مسکن

تأمین مسکن و سیاست‌های مرتبط با آن در قطر حداقل دو هدف را محقق کرده است: ۱. توسعه شهری و رشد شهرنشینی ۲. ارتقای استانداردهای زندگی برای تمام شهروندان. در تحقیقی که مؤسسه قطر انجام داده است یکی از دلایل تغییرات جمعیت‌شناختی مانند نرخ ازدواج، نرخ زادوولد و کم شدن آنها، ارتقای کیفیت زندگی زنان شهری با دسترسی آسان‌تر به مسکن است که باعث می‌شود تمایل کمتری به ازدواج داشته باشند.^۱

۳-۲. روسیه

روسیه^۲ یکی از کشورهای نفت‌خیز است که درآمدهای نفتی نقش عمده‌ای در تأمین منابع مالی آن ایفا می‌کند، در یک دهه گذشته این درآمدها بالای ۴۰ درصد از کل درآمدهای این کشور را تشکیل داده‌اند که در جدول زیر نمایش داده شده است. همچنین، در یک دهه اخیر سهم بودجه امور رفاهی از بودجه عمومی و تولید ناخالص داخلی در روسیه، به‌رغم کاهش در نسبت درآمدهای نفتی از کل درآمدهای این کشور، بوده است.

1- Ben Berick, Aniss, Ahmed Aref & Dana Al-Kahlout, 2016, The Impact of Housing Welfare System in Family Formation and Family Dissolution in Qatar, Qatar Foundation Annual Research Conference.

2- Expatica, 2021, Social security and welfare in Russia: rates and benefits explained, Available at: expatica.com

جدول ۲: سهم درآمدهای نفتی و غیرنفتی از کل درآمدهای روسیه و سهم بودجه رفاهی از بودجه و تولید ناخالص داخلی^۱

۲۰۰۶	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	
۱۴,۳۲	۱۳,۵۴	۳۸,۷۵	۴۵,۷۳	سهم بودجه رفاهی از بودجه عمومی دولت
۰,۰۶	۱,۲۵	۶,۰۲	۹,۸۵	سهم هزینه رفاهی از تولید ناخالص داخلی
۴۶,۷۸	۴۶,۱۲	۴۲,۹۲	۲۷,۹۶	سهم درآمدهای نفتی کشور از کل درآمدها
۵۳,۱۱	۵۳,۸۷	۵۶,۸۸	۷۲,۰۳	سهم درآمدهای غیرنفتی کشور از کل درآمدها
۴۱	۳۹,۵	۳۷,۷	۳۷,۵ (آخرین آمار برای سال ۲۰۱۸ است)	نابرابری (ضریب جینی)

۳-۲-۱. تأمین اجتماعی

دولت روسیه مسئولیت فراهم کردن تأمین اجتماعی برای تمام شهروندانش را عهده‌دار است. در برخی موارد نیز مهاجرینی که دارای اقامت هستند می‌توانند با انجام پرداخت‌های لازم، از مزایای بیمه‌ها بهره‌مند شوند. در صورتی که فردی در روسیه بیش از ۱۸۳ روز کار یا زندگی کند، موظف به مشارکت در نظام تأمین اجتماعی است که آنها را از بیمه بیکاری، بیمه خدمات اولیه درمانی، بارداری و حمایت از کودکان و بازنشستگی بهره‌مند می‌کند. همچنین، در روسیه دو صندوق اصلی تأمین اجتماعی وجود دارد شامل بیمه‌های اجتماعی و بازنشستگی. پرداخت حق بیمه در این صندوق‌ها اجباری است که از محل درآمد افراد اخذ می‌شود. علاوه بر این، امکان مشارکت داوطلبانه افراد در یک صندوق بازنشستگی دیگر فراهم است. همچنین، خویش‌فرماها نیز برای مشمول شدن در تأمین اجتماعی باید به صورت خوداظهاری اقدام کرده و خود را بیمه کنند. کارفرمایان نیز باید حق مشارکت خود تا پانزدهم هر ماه پرداخت کنند و در صورت عدم پرداخت ۲۰ درصد جریمه می‌شوند و برای موارد فرار مالیاتی پرداخت ۴۰ درصد از کل درآمد فرد به نظام تأمین اجتماعی به‌عنوان جریمه پیش‌بینی شده است.

در سال ۲۰۱۷ میزان مشارکت در تأمین اجتماعی، که از کارفرما دریافت می‌شود، در روسیه به شرح

1- Ministry of Finance of the Russia Federation, 2006-2020, Federal budget of the Russian Federation, Available at: minfin.gov.ru, World Bank, Russia GDP, Available at: data.worldbank.org

زیر اعلام شده است:

• صندوق بازنشستگی: ۲۲٪ از درآمد کارمند تا سقف ۸۷۶۰۰۰ روبل به علاوه ۱۰٪ از هر میزان بالاتر از آن

• بیمه‌های اجتماعی: ۲/۹ درصد از درآمد کارمند تا سقف ۷۵۵۰۰۰ روبل

• بیمه سلامت: ۵/۱ تا ۵/۹ از حقوق

همچنین بیمه حوادث حین کار اجباری نیز در روسیه وجود دارد که به فراخور میزان ریسک و مخاطرات کار از ۵/۰ تا ۸/۵ درصد از حقوق کارمند مشمول آن می‌شود.

۳-۲-۲. مزایای دوران بیکاری

افرادی می‌توانند مشمول مزایای دوران بیکاری شوند که بالاتر از ۱۶ سال سن، دارای توانایی کار کردن، فاقد درآمد و در عین حال فعالانه در جستجوی کار باشند. حداکثر زمانی که افراد می‌توانند از این مزایا استفاده کنند، ۱۲ ماه پس از ثبت‌نام و تأیید درخواست آنها است. این نوع پرداخت‌ها با توجه به میانگین درآمدهای کشور و خدمات پیشین افراد از ۸۵۰ تا ۴۹۰۰۰ روبل متغیر است. همچنین خانوارهای کم‌درآمد در این دوران از تخفیف خدمات بهداشتی و درمانی بهره‌مند می‌شوند.

۳-۲-۳. مزایای دوران بارداری

در دوران بارداری زنان ۱۴۰ روز مرخصی با دریافت ۱۰۰ درصد حقوقشان را خواهند داشت که به ۷۰ روز پیش از زایمان و ۷۰ روز پس از آن تقسیم می‌شود. این نوع مرخصی برای زوج‌هایی که کودکان زیر ۱۶ سال را به سرپرستی می‌گیرند نیز لحاظ می‌شود. همچنین برای برخی موارد، مساعدت مالی برای یکبار بارداری انجام می‌گیرد. این موارد عبارت‌اند از:

• در صورت خوداظهاری زن باردار در ۱۲ هفته ابتدایی برای دریافت مزایا؛

• بعد از زایمان برای هر فرزند به دنیا آمده یا به سرپرستی گرفته‌شده در خانواده؛

• برای همسران سربازان در حال خدمت که بچه‌ای به دنیا آورده‌اند یا به سرپرستی گرفته‌اند؛

• اگر فرزند سرباز در حال خدمتی در زمان خدمت او به دنیا آید، خانوار مزایای ویژه‌ای (از قبیل

۴۰ درصد حقوق بیشتر) دریافت خواهند کرد.

۳-۲-۴. مزایای دوران بازنشستگی

بعد از اصلاح نظام بازنشستگی در روسیه در سال ۲۰۰۲، سه نوع بیمه بازنشستگی برقرار شد: دولتی، اجباری مرتبط با کار، و غیردولتی. بیمه اجباری، مشارکت‌کنندگان را در سه گروه تحت پوشش قرار

می‌دهد: بازماندگان، سالخوردگی و از کار افتادگی. افراد برای دریافت این مزایا باید پیش از موعد دریافت، حداقل ۸ سال در این صندوق مشارکت داشته باشند. سن بازنشستگی در روسیه ۶۰ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان است.

۳-۲-۵. بیمه بهداشت و درمان

خدمات بهداشتی و درمانی اورژانسی برای همه شهروندان روسیه رایگان است، اما برای همه، مشارکت در صندوق بیمه درمان اجباری است. باین حال نابرابری در دریافت خدمات بهداشتی در روسیه بالاتر از سایر کشورهای اروپایی است؛ زیرا درمانگاه‌هایی با استاندارد جهانی در تمام نقاط کشور وجود ندارد.

۳-۲-۶. آموزش

آموزش عمومی در روسیه اجباری و آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان است و همه شهروندان می‌توانند از آن استفاده کنند. در کنار آموزش دولتی، در چند سال اخیر، مدارس غیردولتی نیز فعال شده‌اند.

به‌طور کلی از سال ۲۰۱۱ تاکنون، بیشترین سهم سیاست‌های رفاهی در روسیه مربوط به حوزه‌هایی نظیر تأمین اجتماعی و مساعدت اجتماعی بوده است که تا پیش از آن آموزش بالاترین سهم را داشت. البته تا پیش از سال ۲۰۱۱ و اصلاح نظام تأمین اجتماعی در روسیه، هزینه‌های رفاهی دولت بسیار پایین بود. همچنین هم‌زمان با رشد مدارس خصوصی، نسبت هزینه دولت در این بخش به کل هزینه‌ها، کاهش یافته است.

۳-۳. کویت

کشور کویت هم بهره‌مند از درآمدهای سرشار نفتی است که دست این دولت را برای گسترش خدمات رفاهی باز کرده است. سهم درآمدهای نفتی از کل درآمدهای این کشور بسیار بالا است که برای نمونه در سال ۲۰۲۰ تا ۸۸ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌داد^۱. با توجه به جمعیت کم و درآمدهای پایین، این کشور فاقد محدودیت مالی برای ارائه خدمات رفاهی است و بودجه نسبتاً بالایی به خدمات رفاهی اختصاص می‌داد؛ برای مثال در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱ سهم بودجه رفاهی از بودجه عمومی بیش از ۶۰ درصد بود که نسبت کم‌نظیری است.

1- Britannica, 2017, Kuwait Health and Welfare, Available at: www.britannica.com, World Health Organization, 2017, Country cooperation strategy at a glance Kuwait, Available at: www.WHO.int

جدول ۳: سهم درآمدهای نفتی و غیرنفتی از کل درآمدها و سهم بودجه رفاهی از بودجه و تولید ناخالص داخلی کویت^۱

۲۰۲۱/۲۰۲۰	۲۰۱۹/۲۰۱۸	۲۰۱۷/۲۰۱۶	
%۶۰/۲۵	%۶۷	-	سهم بودجه رفاهی از بودجه عمومی دولت
%۲۸/۱۳	%۳۱	-	سهم هزینه رفاهی از تولید ناخالص داخلی
%۸۸/۲۵	%۷۵	%۸۷/۷۵	سهم درآمدهای نفتی کشور از کل درآمدها
%۱۱/۷۴	%۲۴/۹۴	%۱۱/۴۹	سهم درآمدهای غیرنفتی کشور از کل درآمدها

۳-۳-۱. بهداشت و رفاه^۲

کویت دارای یک نظام جامع رفاه اجتماعی است؛ مساعدت مالی، و خدمات رایگان درمانی و بازتوانی برای معلولان و نظام جامع یارانه خدمات درمانی از جمله آن‌ها است. این کشور برای ارائه خدمات درمانی رایگان به ۶ بخش تقسیم شده و برنامه جامع پنج‌ساله برای آن نوشته شده است. تمام خانوارها در کویت بسته‌های خدماتی باکیفیتی را دریافت می‌کنند. بخش زیادی از یارانه این حوزه به آموزش کارکنان این بخش و ارائه صحیح خدمات اختصاص دارد.

۳-۳-۲. مسکن

دولت کویت یارانه گسترده‌ای به حوزه مسکن اختصاص می‌دهد و از آنجاکه برای توسعه این حوزه از میزان بالایی از درآمد نفتی استفاده کرده، استانداردهای مسکن بسیار بالا است. در اکثر نقاط این کشور خانه‌های سنتی جای خود را به مجتمع‌هایی با آپارتمان‌های بسیار مجهز داده‌اند. وزارت رفاه این کشور برنامه ساخت مسکن ارزان قیمت با تمام امکانات مدرن و رفاهی را برای خانوارهای کم‌درآمد اجرا کرده است.

۳-۳-۳. آموزش

تقریباً تمام جمعیت کویت باسواد است. آموزش عمومی در این کشور از سنین ۶ تا ۱۴ سال اجباری و رایگان است. همچنین کتاب، تغذیه در مدرسه، لباس مدرسه، حمل و نقل، بهداشت و درمان دانش‌آموزان مشمول هزینه‌های دولت بوده و برای تمام شهروندان کویت کاملاً رایگان است. ساکنین غیرکویت نیز معمولاً در مدارس خصوصی تحصیل می‌کنند. همچنین، علاوه بر دانشگاه‌های خود کویت، دانشجویان

1-Britannica, 2017, Kuwait Health and Welfare, Available at: www.britannica.com, World Health Organization, 2017, Country cooperation strategy at a glance Kuwait, Available at: www.WHO.int
2- <https://www.britannica.com/place/Kuwait/Health-and-welfare>

می‌توانند در دانشگاه‌های خارجی در کشورهایمانند آمریکا، بریتانیا، مصر با بورسیه دولت کویت تحصیل کنند.

۳-۳-۴. دیگر حوزه‌ها

علاوه‌براین، از هزینه‌های دولت ۲/۶۸ درصد به یارانه، ۴ درصد به مزایای عمومی شامل مساعدت و تأمین اجتماعی و ۲/۳ درصد به مشارکت اجتماعی دولت (شامل سهم دولت در حق بیمه و افزایش حقوق) تخصیص می‌یابد. همچنین، بیشترین هزینه دولت در امور رفاهی مربوط به سهم خدمات عمومی شامل پرداخت‌های انتقالی پولی است که به‌طور میانگین ۳۴ درصد از هزینه‌های دولت را تشکیل می‌دهد. نکته دیگر اینکه کشور کویت در سال ۱۹۷۶ «صندوق معکوس برای نسل‌های آینده» را تأسیس کرده که ۱۰٪ از درآمد سالانه کشور به این صندوق اختصاص داده می‌شود؛ هرچند در دوران اشغال کویت توسط عراق به منابع این صندوق دستبرد زده شد. باوجوداین موارد، کشور کویت در زمینه نابرابری کارنامه موفق‌تری ندارد، هرچند که شاخصی درباره نابرابری در کشور کویت در داده‌های منتشرشده از سوی بانک جهانی در دسترس نیست، اما گزارش مربوط به کشورهای عربی، وضعیت نابرابری در کویت را بد توصیف کرده است. در جدول زیر سهم گروه‌های درآمدی مختلف کویت از کل درآمدها ارائه شده است.

جدول ۴: سهم گروه‌های مختلف درآمدی از کل درآمد در کشور کویت؛

درصد جمعیتی	یک درصد بالا	ده درصد بالا	چهل درصد میانه	پنجاه درصد پایین
سهم از درآمد کل (درصد)	۱۷/۲	۵۴/۲	۳۲/۸	۱۳

۳-۴. عربستان سعودی

کشور عربستان به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت همانند دیگر کشورهای مورد اشاره، دارای درآمدهای سرشار و هنگفت نفتی است که منابع مالی لازم را برای ارائه خدمات رفاهی از سوی دولت فراهم کرده است، به‌ویژه در سالیان اخیر که برنامه‌های توسعه اجتماعی از سوی ولیعهد این کشور پیگیری شده، نیازمند این منابع مالی است. درآمدهای نفتی نسبت بالایی و در برخی سال‌ها حتی تا ۸۰ درصد از درآمدها و سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. بخش بزرگی از این درآمدها در عربستان در تأمین زیرساخت‌هایی سرمایه‌گذاری شده که می‌تواند در سال‌های آینده

کیفیت خدمات را افزایش دهد^۱.

جدول ۵: سهم درآمدهای نفتی و غیرنفتی از کل درآمدها و سهم بودجه رفاهی از بودجه و تولید ناخالص داخلی عربستان^۲

۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	
۴۱/۷۹	۴۰	۳۹/۳۳	۴۰/۷۸	۴۱	سهم بودجه رفاهی از بودجه عمومی دولت
۱۴/۳۹	۱۳/۲۹	۱۴/۶۳	۱۵/۸۴	-	سهم هزینه رفاهی از تولید ناخالص داخلی
۶۲/۳۱	۶۲/۸۳	۸۱/۱۲	۷۶	۷۴/۵۴	سهم درآمدهای نفتی کشور از کل درآمدها
۳۷/۶۸	۳۷/۱۶	۱۸/۸۷	۲۴	۲۵/۴۵	سهم درآمدهای غیرنفتی کشور از کل درآمدها

خدمات رفاهی در کشور عربستان سهم عمده‌ای از بودجه سالانه را به خود اختصاص می‌دهد که تا بالای ۴۰ درصد بودجه و بالاتر از ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی نیز می‌رسد. عمده تمرکز سیاست‌های رفاهی این کشور بر سه حوزه آموزش، بهداشت و توسعه اجتماعی، و توسعه زیرساختی (شامل مسکن و حمل‌ونقل مبتنی یارانه) است که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ نزدیک به ۱۷ هزار میلیارد ریال عربستان سعودی از سوی دولت برای این سه حوزه هزینه شد.

۳-۴-۱. آموزش

در کشور عربستان بیشترین سهم از هزینه‌های رفاهی به آموزش تعلق دارد که بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از کل هزینه‌های رفاهی سالانه این کشور را به خود اختصاص می‌دهد. از سال ۱۹۶۴ مدارس دخترانه نیز تأسیس شده‌اند و امروزه بیش از نیمی از دانشجویان دانشگاه‌های این کشور را دختران تشکیل می‌دهند. آموزش در کشور عربستان برای تمامی شهروندان کاملاً رایگان است و دانش‌آموزان از کتاب و خدمات بهداشتی رایگان نیز بهره‌مند می‌شوند. همچنین برای آموزش معلولان نیز در تمام نقاط کشور مدارس تأسیس شده است تا از دریافت خدمات آموزشی توسط آنها اطمینان حاصل شود.

۳-۴-۲. بهداشت

در سال‌های اخیر عربستان سعودی بر توسعه خدمات بهداشت و درمان مدرن تأکید بسیار زیادی داشته و به میزان قابل توجهی در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده است. شبکه‌های درمانی برای تمام افراد رایگان

1- The Embassy of The kingdom of Saudi Arabia, Education, Health and Social Services of Saudi Arabia, Available at: www.saudiembassy.net

2- Saudi Arabia Ministry of Finance, 2017-2021, Fiscal year Budget, Available at: www.mof.gov.sa, World Bank, Saudi Arabia GDP, Available at: data.worldbank.org

هستند و حتی هزینه برخی از پیچیده‌ترین درمان‌ها را در دیگر نقاط جهان برای شهروندانش تأمین می‌کند. تا سال ۱۹۳۴ بهداشت این کشور به دست درمان‌گران محلی بوده است، اما از آن پس نظام بهداشت و درمان تأسیس شد و به تدریج سهم دولت در این حوزه افزایش یافت. بخشی از هزینه‌های این بخش به تحقیق و توسعه علم اختصاص داده می‌شود. همچنین در سیاست‌های دولت به خدمات درمانی و توانمندسازی معلولان و سلامت روان توجه می‌شود.

۳-۴-۳. مسکن

عربستان، به‌منظور تأمین مسکن برای خانوارهای کم‌درآمد، دانشجویان و کارمندان دولتی در بخش مسکن سرمایه‌گذاری کرده و تلاش دارد قیمت مسکن را در برخی مجتمع‌ها کنترل کند. علاوه‌براین، پرداخت وام‌های بدون بهره و طولانی‌مدت را برای ساخت خانه و دفاتر تجاری اداری به افراد و شرکت‌ها در دستور کار قرار داده است.

باوجود برنامه‌های رفاهی متعدد در عربستان، اما نرخ نابرابری در این کشور همانند بیشتر همسایگانش نسبتاً بالاست.

جدول ۶: سهم گروه‌های مختلف درآمدی از کل درآمد در کشور عربستان سعودی^۱:

سهم ۱ درصد بالا	سهم ۱۰ درصد بالا	سهم ۴۰ درصد میانه	سهم ۵۰ درصد پایین
۱۸/۶	۵۴	۳۴/۲	۱۱/۸

۳-۵. کانادا

کشور کانادا یکی از کشورهای توسعه‌یافته، دارای کیفیت زندگی بالا و شاخص‌های رفاهی ارتقاء یافته است. این کشور نیز دارای منابع نفتی است که البته درآمدهای نفتی بخش ناچیزی از کل درآمدهای دولت تشکیل می‌دهد. اما، امور رفاهی سهم نسبتاً بالایی از بودجه عمومی سالانه دولت و نیز تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد؛ برای نمونه در سال ۲۰۲۰ سهم امور رفاهی از بودجه عمومی ۶۱ درصد را شامل می‌شد که رقم نسبتاً استثنایی است و توجه جدی این کشور به ارتقاء وضعیت رفاهی را نشان می‌دهد^۲.

1- The Global Economy, Saudi Arabia: income inequality, Available at: www.theglobaleconomy.com/

2- The official website of Government of Canada, Canada Welfare System, Available at: www.canada.ca

جدول ۷: سهم درآمدهای نفتی و غیرنفتی از کل درآمدهای کانادا و سهم بودجه رفاهی از بودجه و تولید ناخالص داخلی^۱

۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	
۴۰/۸	۴/۴۰	۴۳/۷	۶۱	سهم بودجه رفاهی از بودجه عمومی دولت
۱۷	۱۷,۳	۱۸/۲۷	۲۰/۶۲	سهم هزینه رفاهی از تولید ناخالص داخلی
۲۲/۹۳	۴۰/۶۸	۴/۳۴	۲/۹۹	سهم درآمدهای نفتی کشور از کل درآمدها
۷۷/۰۷	۵۹/۳۲	۹۵/۵۳	۹۷	سهم درآمدهای غیرنفتی کشور از کل درآمدها
۳۳/۷	۳۳/۶	۳۳/۷	آخرین آمار موجود (۲۰۱۷) معادل ۳۳/۳	نابرابری (ضریب جینی)

دولت کانادا دارای برنامه‌های رفاهی متنوع و فراگیری است که خدمات مختلفی را برای شهروندان ارائه می‌کند. دولت رفاه در کانادا در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد که برنامه‌های اصلی آن شامل مساعدت اجتماعی، ارائه خدمات به کودکان، تضمین حداقل حقوق، تأمین نیازهای سالمندان، بیمه اشتغال، برنامه‌های ایالاتی مستمری بازنشستگی، آموزش همگانی، بهداشت و درمان رایگان، تأمین مسکن و خدمات اجتماعی و برخی خدمات دیگر برای فقرا، افراد بی‌خانمان و بیکاران است. همچنین، بیشترین هزینه‌های رفاهی در کانادا به ترتیب به آموزش، تأمین اجتماعی و بهداشت و درمان اختصاص دارد.

۳-۵-۱. بهداشت

نظام بهداشت و درمان کانادا پیچیده‌ترین خدمات درمانی را به‌طور رایگان برای همگان، از طریق بخش خصوصی اما با بودجه عمومی، ارائه می‌دهد و رابطه پولی بین بیمار و پزشک وجود ندارد. دولت مرکزی کانادا همواره تلاش دارد با مداخلات خود استانداردهای ملی و ایالتی و تأمین بودجه و مدیریت خدمات بهداشتی را تضمین کند. در این کشور یک‌سوم کل مخارج ایالتی صرف خدمات بهداشتی می‌شود که نشان‌گر توجه جدی به این حوزه است. از آنجاکه خدمات بهداشتی گسترده‌تر شده‌اند، طول عمر افراد افزایش یافته است که بار مالی سنگینی به دولت تحمیل می‌کند. از این‌رو در دو دهه اخیر، این کشور حق بیمه اجتماعی را افزایش داده است. علاوه بر این، دولت مرکزی در کانادا وظیفه کنترل غذا و دارو

1- OECD Data, Social Spending as a share of GDP, Available at: <https://data.oecd.org/>, OECD Library, Society at a glance, Available at: <https://www.oecd-ilibrary.org>, World Bank, Canada Gini Index, Available at: data.worldbank.org

را بر عهده دارد. در این کشور برنامه مستمری خانواده وجود دارد که تأمین اجتماعی کانادا را در نوع خودش منحصر به فرد می‌کند. همچنین، برای بازنشستگان، از کارافتادگان و بازماندگان برنامه مستمری بازنشستگی ارائه می‌شود که برنامه تأمین اجتماعی سالمندان به افراد بالای ۶۵ سال مستمری ماهیانه پرداخت می‌کند.

۳-۵-۲. آموزش

از سال ۱۸۶۷ دولت ایالتی در کانادا وظیفه آموزش عمومی را عهده‌دار شده است و دولت مرکزی تنها برای نقاط مشخصی به‌طور مستقیم ورود می‌کند. سیاست‌های آموزشی در هر ایالتی متفاوت است، اما هر دولت ایالتی دارای یک بخش آموزشی است که به مسائل این حوزه رسیدگی می‌کند.

۳-۵-۳. مسکن

تأمین مسکن نیز از مواردی است که دولت‌های ایالتی در کانادا وظیفه آن را برعهده دارند. در برخی ایالت‌ها وام بلندمدت بدون بهره و در برخی دیگر کمک‌هزینه تأمین مسکن طبق استانداردهای مترمربع افراد ارائه می‌شود؛ مثلاً یک خانوار ۴ نفره می‌تواند برای تأمین مسکن به ابعاد ۴×۱۶ مترمربع کمک‌هزینه دریافت کنند. همچنین در اکثر ایالت‌ها برای تعمیر و بازسازی، تجهیز خانه برای افراد معلول و امکاناتی برای جلوگیری از هدررفت انرژی خدماتی ارائه می‌شود.

۳-۶. نروژ

نروژ، به‌عنوان یک کشور نفت‌خیز، سرنوشت توسعه‌ای و رفاهی متفاوتی از اکثریت کشورهای نفتی را تجربه کرده و به‌تعبیر استرود^۱ (۲۰۰۵) دچار نفرین منابع نشده است. از زمانی که درآمدهای نفتی به خزانه این کشور سرازیر شد، برخلاف دیگر کشورهای نفتی، این منابع صرف هزینه‌های جاری دولت نشد، بلکه در چارچوب یک برنامه مشخص و منضبط و در همبستگی با نسل‌های آینده در صندوق نفتی دولت، که بعداً به صندوق بازنشستگی دولتی نروژ^۲ تغییر نام داد، ذخیره شد. از جمله دلایلی که سبب شد پول‌های نفتی تبدیل به پول‌های بادآورده برای مصرف امور جاری نشود شرایط کشور نروژ پیش از اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز بود. این کشور «به‌واسطه نهادهای قدرتمند، سطحی از توسعه‌یافتگی، تجارب قبلی در زمینه مقررات‌گذاری در صنایع برق‌آبی^۳، و بوروکراسی شایسته^۴ از

1- Østerud

۲- صندوق بازنشستگی دولتی نروژ (Government Pension Fund of Norway) در ابتدا صندوق نفتی دولت (Government Petroleum Fund) نام داشت که به منظور تضمین مدیریت بلندمدت درآمدهای نفتی شکل گرفت و اکنون افراد می‌توانند در آن سرمایه‌گذاری کنند.

3- hydroelectric

4- competent bureaucracy

نفرین منابع رهایی یافت. [...] نروژ قبل از اینکه درآمدهای نفتی خزانه کشور را غرق کند یک کشور نسبتاً ثروتمند، دموکراتیک و صنعتی بود» (همان: ۷۰۸).

جدول ۸: سهم درآمدهای نفتی از تولید ناخالص داخلی و درآمدهای دولت نروژ ۲۰۱۵-۲۰۲۱

سال	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵
سهم از جی دی پی	۲۰,۵	۱۰,۲	۱۳,۳	۱۶,۷	۱۴,۵	۱۲,۲	۱۵,۰
سهم از درآمدهای دولت	۲۰,۸	۱۰,۴	۲۰,۰	۲۱,۱	۱۴,۰	۱۰,۷	۲۰,۱

به‌خاطر این پیشینه و اجماع سیاست‌گذاران در حمایت از منافع بلندمدت کشور و همبستگی با نسل‌های آینده «اکثریت قاطعی از نمایندگان با ایجاد یک صندوق نفتی بزرگ برای تأمین رفاه آینده‌ای که منابع نفتی تمام می‌شوند موافقت کردند» (همان) و بدین ترتیب صندوق بازنشستگی دولتی نروژ در ۱۹۹۰ شکل گرفت و نخستین انتقال سرمایه به این صندوق، مطابق با اعلام وزارت دارایی، در سال ۱۹۹۶ انجام شد.^۱ بخش عمده درآمدهای نفتی در این صندوق ذخیره می‌شود و دولت به‌راحتی قادر به دست‌درازی به منابع این صندوق نیست. این همان حلقه مفقوده‌ای است که در اکثر کشورهای نفتی مشاهده می‌شود و آنها را به نفرین منابع دچار کرده است. ارزش بازار این صندوق در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۲۳۰۰ میلیارد کرون سوئد (برابر با ۱۱۳۷ میلیارد دلار آمریکا) و سه برابر تولید ناخالص داخلی نروژ بود.^۲ در هنگام تشکیل صندوق مذکور، بحث‌های سیاسی ملی حول این موضوع تمرکز داشت که آیا این درآمدها متعلق به آینده است یا اکنون می‌توان آن را برای بهبود بخش عمومی هزینه کرد، اما طبق مصوبه پارلمان هزینه‌کرد از صندوق نباید از ۴ درصد درآمدهایش فراتر رود.^۳ در واقع، هدف این امر تلاش برای تأمین رفاه آینده مردم نروژ از طریق درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی بود؛ امری که در کشورهای درحال توسعه به‌واسطه فقدان یا ضعف نگرش بلندمدت سیاست‌گذاران مانع از شکل‌گیری چنین موضوعی می‌شود.

هرچند در نروژ دولت عهده‌دار تأمین مزایای رفاهی برای ساکنان است، اما یک منبع مهم تأمین هزینه‌های این سیستم رفاهی درآمدهای مالیاتی مبتنی بر یک نظام مالیات‌گیری کارآمد و دقیقی است که توانسته نقش توزیعی مهمی ایفا کند. ایجاد سیستم پیشرفته و کارآمد مالیاتی علاوه بر تأمین هزینه‌های دولت از آن، به‌مثابه ابزاری برای دستیابی به اهداف اجتماعی، نظیر بازتوزیع درآمدی،

1- <https://www.norskpetsroleum.no/en/economy/governments-revenues/>

2- <https://www.norskpetsroleum.no/en/economy/management-of-revenues/>

3- <https://www.norskpetsroleum.no/en/economy/management-of-revenues/>

4- Wahl and Ørstavik (2003)

استفاده می‌شود. اشکال متعدد مالیاتی که در نروژ وضع شده، این کشور را به یکی از اقتصادهای متکی بر مالیات تبدیل کرده و آن را از مصرف بی‌رویه درآمدهای نفتی بازداشته است. نرخ مالیات افراد در نروژ در سال ۲۰۲۱ برابر با ۳۸,۲ درصد بود که از میانگین اتحادیه اروپا (۳۷,۸) اندکی بالاتر و از دیگر کشورهای اسکاندیناوی مثل سوئد (۵۲,۹ درصد) و دانمارک (۵۵,۹ درصد) پایین‌تر بود. این در حالی است که در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ برابر با ۴۷,۸ درصد و در سال ۲۰۱۸ برابر با ۴۶,۶ درصد بوده است، اما از سال ۲۰۱۹ به ۳۸,۲ درصد^۱ کاهش یافت.

بخش عمده‌ای از موفقیت نروژ در امور اقتصادی و رفاهی، ناشی از نقش دولت است که «به‌لحاظ تاریخی، به خاطر ضعف بورژوازی در این کشور و تاحدودی برای جبران فقدان بازیگران خصوصی قوی، معمولاً نقش فعالی در سرمایه‌داری بازی کرده است» (استرود، ۲۰۰۵: ۷۰۷). هرچند نروژ از درآمدهای نفتی فراوانی بهره‌مند است، و باوجود «همبستگی منفی بین فراوانی منابع طبیعی از قبیل نفت و معادن، و رشد اقتصادی» (رز، ۱۹۹۹) به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، اما اقتصاد توسعه‌یافته این کشور شرایط متفاوتی را رقم زده است. «کشورهای در حال توسعه دارای نهادهای ضعیف و منابع طبیعی غنی نفرین منابع را عمدتاً به‌واسطه رشد اقتصادی [پایین، اقتدارگرایی و رقابت‌های خشن^۲ تجربه کرده‌اند» (استرود، ۲۰۰۵: ۷۱۹)، در حالی که نروژ به‌واسطه پیشینه خود از این مسئله رهایی یافته و شرایط اقتصادی خوبی را تجربه کرده است؛ به‌گونه‌ای که براساس گزارش بانک جهانی، سرانه تولید ناخالص داخلی نروژ در سال ۲۰۲۱ برابر با ۷۷۵۴۴ دلار آمریکا و معادل ۶۱۴ درصد میانگین جهانی است. علاوه‌براین، درآمد ناخالص سرانه در این کشور بالا است و در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱ بعد از برمه (۱۱۶۵۴۰ دلار) و سوئیس (۹۰۳۶۰ دلار) بالاترین درآمد ناخالص سرانه را در دنیا ثبت کرد.

جدول ۹: سرانه تولید ناخالص داخلی و درآمد داخلی در نروژ (دلار آمریکا)

سال	۲۰۲۱	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
سرانه تولید ناخالص داخلی ^۱	۸۹۲۰۲	۶۷۳۳۹	۷۵۷۱۹	۸۲۲۶۷	۷۵۴۹۶	۷۰۴۶۰	۷۴۳۵۵	۹۷۰۱۹	۱۰۲۹۱۳	۱۰۱۵۲۴	۱۰۰۶۰۰	۸۷۶۹۳
درآمد ناخالص سرانه ^۲	۸۴۰۹۰	۷۷۷۸۰	۸۱۶۷۰	۸۰۳۲۰	۷۵۶۵۰	۸۱۳۷۰	۹۲۹۱۰	۱۰۴۳۷۰	۱۰۴۱۹۰	۹۹۱۱۰	۹۰۳۳۰	۸۸۴۹۰

1- <https://tradingeconomics.com/country-list/personal-income-tax-rat>
2- violent rivalries

سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور از سال ۱۹۶۰ روند صعودی داشته و از ۱۴۴۱ دلار آمریکا در ۱۹۶۰ به ۱۵۷۷۲ در ۱۹۸۰ و ۳۸۱۳۱ دلار آمریکا در سال ۲۰۰۰ رسیده و از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ بیش از ۲٫۵ برابر شده است^۱. همچنین، نرخ تورم نسبتاً پایینی را تجربه کرده که در کنار دیگر شاخص‌های اقتصاد کلان نشانگر یک اقتصاد توسعه‌یافته است؛ از ۱۹۷۱ به بعد بالاترین تورم نرخ مربوطه سال ۲۰۰۰ بود با ۱۵٫۳۹ درصد، پس از آن معمولاً تورم یک‌رقمی و حتی زیر صفر را تجربه کرده است. با وجود این، هزینه‌های زندگی در نروژ بسیار بالا و یکی از گران‌ترین کشورهای دنیا به شمار می‌رود.

جدول ۱۰: نرخ تورم در نروژ ۲۰۱۰-۲۰۲۰

سال	۲۰۲۰	۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰
درصد	-۳٫۶۵	-۰٫۴۷	۶٫۶۵	۴٫۹۵	-۱٫۴۷	-۲٫۸۵	۰٫۲	۲٫۶	۳٫۲	۶٫۷	۹

۳-۶-۱. نظام رفاهی نروژ

همانند بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی، کشور نروژ هم پس از جنگ جهانی دوم، با تلاش حزب کارگر، یک‌سری خدمات رفاهی را در راستای توزیع عادلانه‌تر درآمدها و ریشه‌کن کردن فقر شروع و این مسیر را تاکنون پیگیری کرده است. دولت رفاه نروژی از الگوی کلی دولت رفاه نوردیک پیروی می‌کند که مهمترین شاخصه‌های این الگو سیاست‌های رفاه عمومی جامع برای تأمین نیازهای اساسی؛ مشارکت دولتی گسترده؛ امنیت درآمدی؛ انتقال عمومی درآمد و مالیات (اثرات توزیعی)؛ تأمین خدمات توسط دولت‌های محلی؛ تفاوت نسبتاً پایین سطوح درآمدی؛ تأکید شدید بر برابری جنسیتی و مشارکت در بازار کار (کارلسون، ۲۰۱۵) است. اما تشکیل نظام رفاهی پس از جنگ جهانی دوم در نروژ متأثر از بریتانیا و گزارش ویلیام بوریج بود. ویژگی‌های الگوی رفاه بوریجی شامل «خدمات جامع، تأمین مالی مالیاتی، حضور قوی کار داوطلبانه و مراقبت‌های غیررسمی، به‌ویژه توسط زنان» (همان) است. بوریج در

۱- میزان سرانه تولید ناخالص داخلی که در [TRADINGECONOMICS.COM/WORLD BANK](https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.DEFL.KD.ZG?end=2020&locations=NO&start=1971&view=chart) ارائه شده با آنچه که از سوی بانک جهانی شده تفاوت دارد و در آنجا میزان سرانه تولید ناخالص داخلی نروژ کمتر از میزان اعلام شده از سوی بانک جهانی است، که ما در اینجا داده‌های بانک جهانی را مبنای قرار داده‌ایم.

2- <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.DEFL.KD.ZG?end=2020&locations=NO&start=1971&view=chart>

گزارش خود سیاست‌های رفاهی را مبارزه با پنج شر (فقر، بیماری، جهل^۱، بی‌خانمانی^۲ و بیکاری) تعریف کرد و چنین تفکری در برنامه سیاسی مشترک^۳ برای جامعه پس از جنگ که از سوی احزاب نروژی در ۱۹۴۵ ارائه شد، رسوخ کرده بود. لذا، برنامه‌هایی برای گسترش تأمین اجتماعی، آموزش، بهداشت، و مسکن در پیش گرفته شد و به‌نوعی دولت خود را متعهد به رفاه جامعه و برابری می‌دانست (لانگ، ۲۰۱۵). این شواهد نشان می‌دهد که در نروژ نظام رفاهی فراگیر قبل از کشف نفت و درآمدهای نفتی شکل گرفت و مالیات، منبع اصلی تأمین مالی این خدمات بود.

نروژ همانند دیگر کشورهای اسکاندیناوی تجربه موفقی در زمینه کاهش فقر داشته که این امر را از طریق سیاست‌های افزایش نرخ اشتغال و ساختار دستمزد مساوات‌گرایانه، موقعیت قوی اتحادیه‌های کارگری، مزایای اجتماعی همگانی و سخاوتمندانه و خدمات عمومی قابل دسترس و قابل استطاعت انجام داده است. باوجود این، برمبنای آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی نسبت فقر چندبعدی و جمعیت زیرخط فقر در نروژ در دهه گذشته همواره بالای ۱۰ درصد بوده است^۴. ارائه مزایای رفاهی از سوی دولت نروژ سبب شده که در این کشور «نیازهای اساسی مردم برای بقا برآورده شود، اما فقرا فاقد منابع پایدار برای یک زندگی استاندارد و سطحی از حمایت اجتماعی در حد نرمال جامعه هستند»^۵.

هرچند در سالیان اخیر، شاید تا حدودی به‌خاطر حرکت بیشتر در مسیر آزادسازی اقتصاد، نابرابری در نروژ افزایش داشته، اما یکی از پایین‌ترین نرخ‌های نابرابری را در میان کشورهای جهان دارا است. در نروژ دولت در تأمین رفاه ساکنان و بهبود توزیع عادلانه و بازتوزیع، نقش کلیدی دارد که مزایای رفاهی همگانی را نهادینه کرده و مالیات‌ها ستون آن هستند. در واقع، رفاه از طریق مالیات‌های پرداختی مردم تأمین می‌شود و در کنار این، دولت از درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز نیز برای تأمین مالی مزایای رفاهی و خدمات اجتماعی استفاده می‌کند^۶. همچنین، سازمان‌های داوطلبانه نیز مشارکت معناداری در این زمینه دارند، اما از آنجا که سیستم رفاهی نروژ معطوف به حقوق فردی است، خانواده نقش حداقلی در تأمین مالی این مزایا دارد.

بدین ترتیب، ویژگی‌های اصلی نظام رفاهی نروژ را می‌توان در جامعیت نظام رفاهی به‌منظور ایجاد تأمین اجتماعی برای شهروندان، نظام رفاهی جامع مبتنی بر یکپارچگی و برابری، مبارزه با طرد اجتماعی، تقویت منابع و شبکه‌ها، و اعتمادسازی برشمرده که چنین دولتی دارای مشروعیت نخبگانی است و به روی راه‌حل‌های مختلف و اصلاحات باز است (همان). سیستم رفاهی نروژ از حمایت و پشتیبانی نخبگان

1- Ignorance

2- Squalor

3- Joint Political Program

4- <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.MDIM?locations=NO>

5- Wahl and Ørstavik (2003)

6- http://samfunnskunnskap.no/?page_id=420&lang=en

سیاسی و اجتماعی برخوردار است که تأمین نیازهای اساسی و ارائه مزایای رفاهی را اقدامی در جهت تقویت انسجام اجتماعی، کاهش نابرابری و ادغام طبقات پایین در نظام سیاسی اجتماعی می‌دانند و سیاست‌های رفاهی را به مثابه «ابزاری برای مدرنیزه کردن جامعه و برانگیختن رشد اقتصادی تلقی می‌کنند. از نگاه آنها سرمایه‌گذاری سنگین در بهداشت، آموزش و بهبود مسکن فقط به معنای کاهش درد^۱ و ارتقاء بهزیستی نیست، بلکه به همان اندازه در ارتقا خلاقیت اهمیت دارند» (لانگ، ۲۰۱۵). چنین درکی از سیاست‌گذاری اجتماعی سبب شده که برخلاف دیگر کشورهای نفتی هم‌رفاه شهروندان تأمین شود و هم منابع نفتی در جهت بهره‌برداری نسل‌های بعد سرمایه‌گذاری شود.

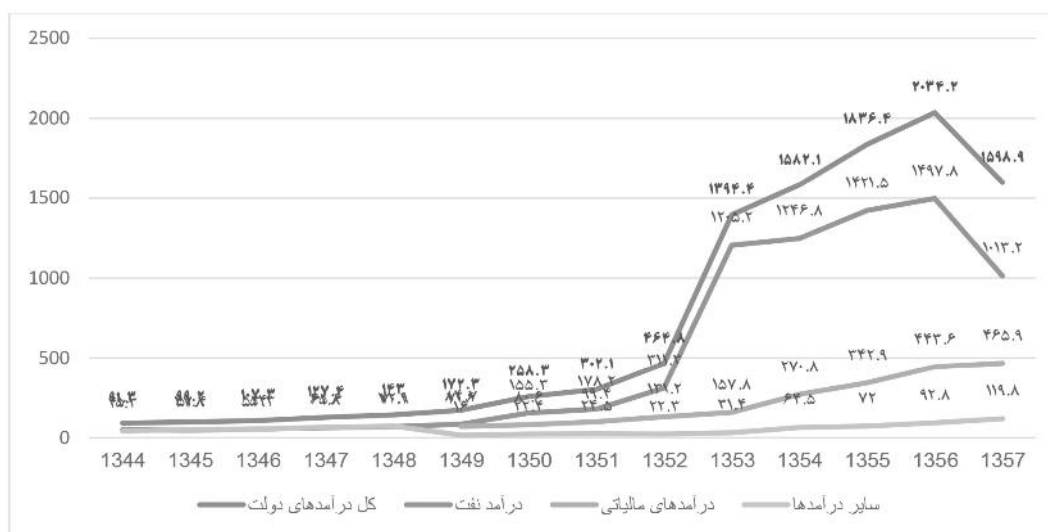
۴. وضعیت ایران

درآمدهای نفتی پس از ورود به اقتصاد ایران، تأمین مالی بخشی از هزینه‌های دولت را به عهده گرفت، اما در ابتدا سهم آن در اقتصاد ایران کم‌رنگ بود. پای‌نفت در شرایطی به اقتصاد ایران باز شد که جامعه به لحاظ شاخص‌های رفاهی وضعیت نامساعدی را تجربه می‌کرد، اما بهبود آن در اولوی پست‌سری برنامه‌های نوسازی قرار داشت. در این دوره درآمدهای نفتی عمدتاً صرف خرید تسلیحات نظامی، نوسازی ارتش و راه‌اندازی صنایع می‌شد.

با آغاز دوره پهلوی دوم، اهمیت، نقش و تأثیرگذاری این درآمدها در سرنوشت و مسیر آینده کشور برجسته شد، نقش اول را در تأمین مالی برنامه‌های عمرانی و رفاهی ایفا کرد و اقتصاد کشور به تدریج شدیداً به این درآمدها وابسته شد. شاه، پس از دهه آغازین پرتلاطم حکمرانی خود، در دوره پسا کودتا امکان پیگیری برنامه‌های رفاهی را یافت. منبع اصلی تأمین مالی این برنامه‌ها درآمدهای نفتی بود که طی دو سال از ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ بیش از ۵ برابر و تا سال ۱۳۵۵ حدود ۵۸۸ برابر افزایش یافت و سهم آن در درآمدهای دولت از ۱۱ درصد در ۱۳۳۳ به بالای ۷۰ درصد در ۱۳۵۶ رسید.

در این دوره، به‌ویژه از دهه ۱۳۳۰، شاهد تأسیس نهادها و ارائه برخی خدمات رفاهی هستیم. خدمات رفاهی ارائه‌شده و آیین‌نامه‌های نهادهای تأسیس شده بیانگر این نکته مهم است که عمده برنامه‌های رفاهی معطوف به کسانی بود که دارای رابطه استخدامی بودند؛ نظیر نیروهای دولتی، نظامیان و تا حدودی کارگران که حاکمیت در پی تقویت پایه‌های خود در میان آنها بود؛ پیگیری این هدف به مدد درآمدهای نفتی امکان‌پذیر شد.

نمودار ۱: روند درآمدهای دولت به صورت کل و به تفکیک منبع درآمدی (میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی به آدرس <https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>

همچنین، در این دوره ایران فاقد یک نظام مالیاتی کارآمد بود و درآمدهای مالیات نقش عمده‌ای در تأمین هزینه‌های دولت و توزیع مجدد نداشت؛ آنچه در این دوران در زمینه توزیع رخ می‌داد، از طریق هزینه‌های دولت از منابع نفتی بود و بیش از اینکه در خدمت کاهش نابرابری باشد، ابزاری در جهت حمایت از گروه‌های وابسته از قبیل عمدتاً صاحبان سرمایه، دهک‌های بالای درآمدی، مدیران و صاحب‌منصبان بود و در رده‌های پایین‌تر کارکنان دولتی و نظامیان از آن بهره می‌بردند و سهم فقرا، تهی‌دستان، کارگران و محرومان از آن ناچیز بود.

با وقوع انقلاب اسلامی سیاست‌های رفاهی وارد مرحله جدیدی شد. یکی از مبانی اصلی انقلاب اسلامی تحقق عدالت اجتماعی، تأمین رفاه شهروندان و کاهش نابرابری‌ها بود. از آنجاکه درآمدهای نفتی بیشترین سهم را در درآمدهای دولت داشته‌اند، نوسانات این درآمدها تحقق وعده‌های یادشده را با چالش مواجه ساخته و با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی شواهد نشان می‌دهد که کشور فاقد یک نظام رفاهی کارآمد بوده و معیشت بخش بزرگی از جامعه دچار تنگناهای اساسی است.

یکی از اقدامات جمهوری اسلامی، پس از تأسیس، تلاش برای برجسته کردن جایگاه و اهمیت گروه‌های فرودستی بود که قبل از انقلاب مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند. با برقراری حکومت جدید این گروه‌ها در سیاست‌گذاری‌ها جایی برای خویش یافتند، حکومت را حامی خویش پنداشته و از آن انتظار بهبود وضعیت رفاهی را داشتند. نظام حکمرانی هم باید پابندی خود به شعارهای انقلابی مبنی بر حمایت از تهی‌دستان و فقرا را نشان می‌داد. لذا، ایجاد سیستم رفاهی وظیفه شرعی و اخلاقی حکومت تازه‌تأسیس بود. برمبنای این تعهد، در قانون اساسی بر تأمین رفاه برای همه شهروندان تأکید شده و امری که در

ابتدا یک وعده و وظیفه شرعی و اخلاقی بود شکل یک تعهد قانونی و مدنی به خود گرفت که می‌بایست برای کل جامعه برآورده شود.

۴-۱. درآمدهای نفتی، تورم و نابرابری در ایران پس از انقلاب

از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران تا سال ۱۳۹۱ به‌طور متوسط سالانه درآمدهای نفتی ۵۳,۴ درصد از درآمدهای دولت را تشکیل می‌داد^۱. از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ (به‌استثنای سال‌های ۱۳۶۱، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۶) درآمدهای نفتی ایران (به دلار) روند کاهشی داشت. پس از پایان جنگ درآمدهای نفتی بهبود پیدا کرد و اوج آن در دهه ۱۳۸۰ بود. اما، در پایان این دهه تحریم‌های نفتی شدیدتری علیه ایران وضع شد و درآمدهای نفتی را تحت تأثیر قرار داد؛ میزان آن از سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) تا دو سال بعد (۲۰۱۳) حدود ۴۶ درصد کاهش یافت. این امر با جهش شدید قیمتی و تلاطم اقتصادی همراه شد. هم‌زمان با این امر «هدفمندی یارانه‌ها» در سال ۱۳۸۹ اجرا شد که به‌دنبال آن قیمت کالاهای اساسی افزایش یافت؛ نرخ تورم از ۱۰,۸ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۳۴,۷ درصد در پایان سال ۱۳۹۲ رسید.

جدول ۱۱: درآمدهای نفتی ایران در سال‌های پس از انقلاب (میلیون دلار)

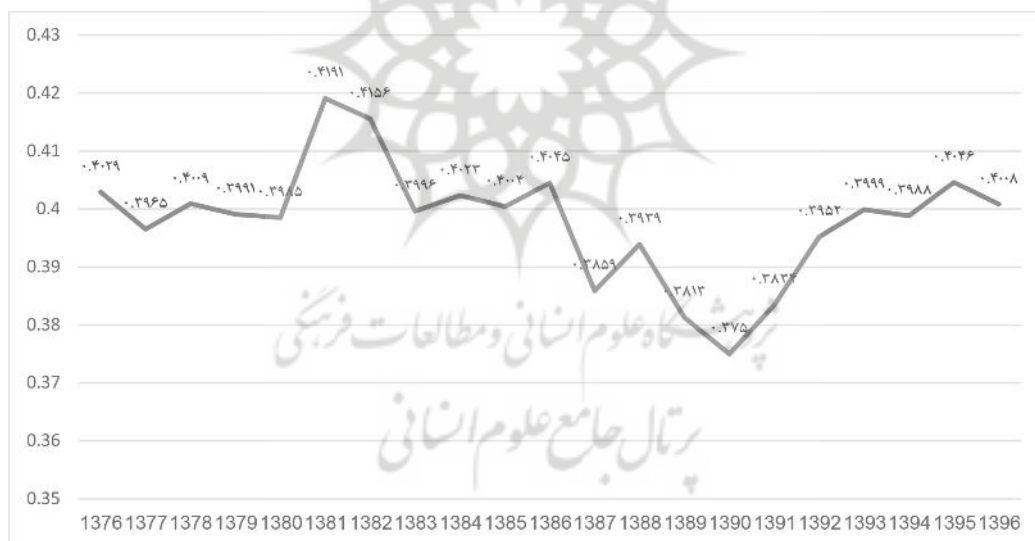
سال	درآمد	سال	درآمد	سال	درآمد
۱۹۹۱	۱۵۲۷۶	۲۰۰۵	۴۸۳۰۶	۲۰۲۰	۷۶۵۶
۱۹۹۰	۱۴۷۵۱	۲۰۰۴	۳۴۲۸۹	۲۰۱۹	۱۹۴۰۲
۱۹۸۹	۱۱۳۱۵	۲۰۰۳	۲۶۱۳۴	۲۰۱۸	۶۰۵۱۹
۱۹۸۸	۸۴۱۹	۲۰۰۲	۱۹۲۱۹	۲۰۱۷	۵۲۷۲۸
۱۹۸۷	۹۴۰۰	۲۰۰۱	۲۱۴۲۰	۲۰۱۶	۴۱۱۲۳
۱۹۸۶	۵۹۰۰	۲۰۰۰	۱۸۸۲۱	۲۰۱۵	۲۷۳۰۸
۱۹۸۵	۱۳۰۱۲	۱۹۹۹	۱۶۰۹۸	۲۰۱۴	۵۳۶۵۲
۱۹۸۴	۱۵۷۱۳	۱۹۹۸	۱۰۰۴۸	۲۰۱۳	۶۱۹۲۳
۱۹۸۳	۲۰۲۷۳	۱۹۹۷	۱۵۵۵۳	۲۰۱۲	۱۰۱۴۶۸
۱۹۸۲	۱۸۶۹۰	۱۹۹۶	۱۹۴۴۱	۲۰۱۱	۱۱۴۷۵۱
۱۹۸۱	۱۰۰۴۷	۱۹۹۵	۱۴۹۷۳	۲۰۱۰	۷۳۲۲۸
۱۹۸۰	۱۱۶۹۳	۱۹۹۴	۱۴۵۷۶	۲۰۰۹	۵۵۷۴۶
۱۹۷۹	۱۹۱۸۶	۱۹۹۳	۱۳۷۷۳	۲۰۰۸	۸۹۸۵۵
۱۹۷۸	۲۱۶۸۴	۱۹۹۲	۱۵۱۸۴	۲۰۰۷	۶۹۲۴۸
		۱۹۹۱	۱۵۱۸۴	۲۰۰۶	۵۷۷۱۹

منبع: دریافت شده از اوپک به آدرس: <https://asb.opec.org/data/ASBData.php>

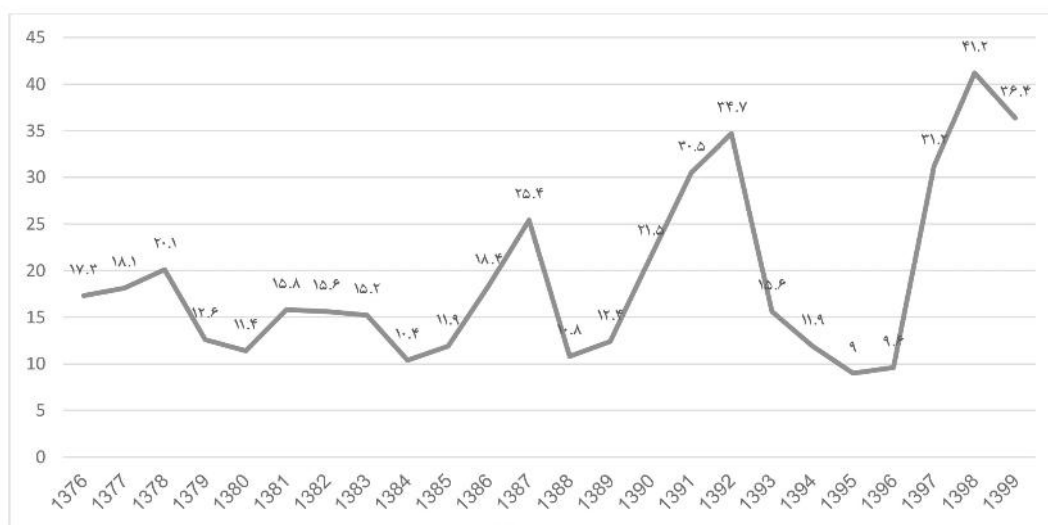
۱- ارقامی که در اینجا برای درآمدهای به ریال ذکر شده جملگی از گزارش‌های بانک مرکزی که (قابل دسترس در <https://tsd.cbi.ir/Display/Content.aspx>) و درآمدهای دلاری از اوپک (https://asb.opec.org/data/ASB_Data.php) اخذ شده‌اند. همچنین، درصد‌های ذکر شده محاسبه نگارنده از روی ارقام مذکور است.

با امضای برجام در سال ۲۰۱۵ و دسترسی مجدد ایران به درآمدهای نفتی نفتی میزان آن از ۲۷۳۰۸ میلیون دلار در ۲۰۱۵ تا سه سال بعد (۲۰۱۸) به ۶۰۵۱۹ میلیون دلار افزایش یافت (رشد ۲۲۱,۶ درصدی). در این سال‌ها نرخ تورم نزولی شد و حتی در سال ۱۳۹۶ به ۹,۶ درصد رسید. با خروج ترامپ از برجام در این سال و برقراری مجدد تحریم‌های نفتی این درآمدها کاهش یافت و در سال ۲۰۲۰ به ۷۶۵۶ میلیون دلار رسید. با محدود شدن درآمدهای نفتی مجدداً تورم شدید در کشور ایجاد شد و از ۹,۶ درصد در سال ۱۳۹۶ به ۳۶,۴ درصد در سال ۱۳۹۹ رسید. این امر وابستگی شدید اقتصاد ایران و رفاه گروه‌های اجتماعی به درآمدهای نفتی را نشان می‌دهد. اساساً میزان مالیات در هر کشوری تابعی از درآمدها و خلق ثروت در آن کشور است، اما در اقتصادهای متکی بر درآمدهای نفتی و فاقد نظام مالیات‌گیری دقیق معمولاً صاحبان سرمایه و ثروت و دارایی از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی می‌کنند. در چنین شرایطی خدمات رفاهی نمی‌توانند نقش بازتوزیعی ایفا کرده و لذا نابرابری‌های اقتصادی پابرجا باقی می‌ماند. در ایران کنونی با چنین وضعیتی از نابرابری مواجه هستیم که دهک‌های پایین درآمدی را از برخورداری از خدمات رفاهی باکیفیت محروم کرده است.

نمودار ۲: تغییرات نرخ ضریب جینی در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۶



نمودار ۳: روند تغییرات نرخ تورم در ایران از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۹



منبع: داده‌ها از گزارش‌های بانک مرکزی ایران اخذ شده‌اند.

بررسی روند تغییرات ضریب جینی نشان می‌دهد که وجود نابرابری یکی از مشخصه‌های ایران بعد از انقلاب است. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ با عراق، شاهد نرخ تورم دو رقمی (به‌استثنای سال ۱۳۶۴) و ضریب جینی نسبتاً بالایی هستیم. نکته جالب وجود هم‌زمانی تغییرات نرخ تورم و ضریب جینی با نوسانات درآمدهای نفتی است؛ در شرایطی که درآمدهای نفتی با محدودیت مواجه بوده، وضعیت این شاخص‌ها نیز بدتر شده است. در دوره پس از جنگ شاهد بهبود درآمدهای نفتی هستیم که از ۱۱۳۱۵ میلیون دلار (در ۱۹۸۹) به ۱۹۴۴۱ میلیون دلار (در ۱۹۹۶) رسید که رشد ۷۱٫۸ درصدی را نشان می‌دهد، اما به‌خاطر اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری شاهد تورم نسبتاً بالا هستیم که متعاقب آن ضریب جینی از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ روند افزایشی را طی کرد و فشار آن به توده‌ها و دهک‌های پایین درآمدی منتقل شد. اما در در مجموع میزان نابرابری جامعه براساس ضریب جینی به‌میزان خیلی اندکی کاهش یافت و سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه به ۱۰ درصد فقیرترین افراد جامعه از ۱۷٫۶ درصد به ۱۴٫۵ درصد تنزل یافت.

در دهه ۱۳۸۰ که اوج درآمدهای نفتی کشور بود با محدودیت‌های مالی دهه اول انقلاب و دهه ۱۳۹۰ مواجه نبود. این امر باعث شد که نرخ تورم و ضریب جینی هم وضعیت بهتری نسبت به دهه پیش تجربه کند؛ به‌گونه‌ای که میانگین نرخ تورم بین سال‌های ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۸۹ برابر با ۱۴٫۷۳ درصد بود (در مقایسه با ۲۴٫۳۹ درصد در دهه قبل) و ضریب جینی نیز از ۰٫۳۹۸۵ در سال ۱۳۸۰ به ۰٫۳۷۵۰ در سال ۱۳۹۰ رسید. طی سالیانی که درآمدهای نفتی رو به افزایش بود، روند ضریب جینی

نیز کم‌وبیش نزولی یا ثابت بود. همچنین، در سال ۱۳۹۰، اولین سال پس از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، ضریب جینی و سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین افراد به کمترین میزان خود در دوره پس از انقلاب رسیدند؛ به ترتیب ۰,۳۷۵ و ۱۲,۲. اما با تحریم‌های نفتی و افزایش قیمت‌ها ضریب جینی مجدداً روند صعودی به خود گرفت که در سال ۱۳۹۵ به بالای ۰,۴۰ برگشت و سهم ده درصد ثروتمندترین نسبت به ده درصد فقیرترین افراد جامعه به ۱۴ رسید. باتوجه‌به تأثیرپذیری توزیع درآمد و نابرابری از نرخ تورم، روند تغییرات ضریب جینی در این سال‌ها هم‌سو با نرخ تورم بوده است.

۴-۲. معیشت^۱

داده‌های موجود بیان‌گر شکاف هزینه‌های خانوار شهری و روستایی در دوره پس از انقلاب است که این هزینه‌ها و فشار معیشتی در بخش شهری نسبت به بخش روستایی و هزینه‌های غیرخوراکی نسبت به خوراکی بالاتر است. اما هرچند هزینه‌های غیرخوراکی روستاییان نسبت به شهرها رشد بسیار کمتری داشته در بخش هزینه‌های خوراکی میزان افزایش آنها به هم نزدیک‌تر بوده است. بالاتر بودن افزایش هزینه‌های غیرخوراکی عمدتاً ناشی از هزینه‌های مسکن، بهداشت و درمان و کالاهای متفرقه است. باتوجه‌به بالاتر بودن هزینه اقلام غیرخوراکی نظیر مسکن در بخش شهری شاهد افزایش نابرابر هزینه‌های این بخش در بین شهر و روستا هستیم، درحالی‌که در سال ۱۳۷۰ هزینه‌های غیرخوراکی خانوار شهری ۶۸,۶۴ درصد هزینه‌ها را تشکیل می‌داد در سال ۱۳۹۸ به ۷۸,۵ درصد رسید، نسبت مشابه برای خانوار روستایی نیز از ۵۴ درصد به ۶۰,۷ درصد رسید. از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ نسبت هزینه‌های دهک دهم درآمدی به دهک اول درآمدی در نقاط شهری و روستایی کاهش یافته است؛ در سال ۱۳۸۰ خالص هزینه‌های خانوارهای دهک دهم درآمدی در نقاط شهری ۱۸,۸۹ برابر دهک اول درآمدی بوده که تا سال ۱۳۹۸ به ۱۲,۶۵ برابر کاهش یافت و این نسبت در نقاط روستایی از ۱۹,۵۸ برابر به ۱۵,۱۹ برابر رسیده است. بر مبنای این شواهد می‌توان ادعا کرد که:

- میزان نابرابری هزینه‌های دهک‌های اول و دهم درآمدی در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری است؛

- اختلاف بین هزینه‌های مصرفی دهک دهم و اول در بازه مورد اشاره در نقاط شهری بیش از نقاط روستایی کاهش داشته است؛

- سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین افراد به ۱۰ درصد فقیرترین افراد در یک دهه گذشته افزایش داشته است.

۱- مبنای محاسبه نسبت‌های ارائه شده در این بخش داده‌هایی است که در سالنامه‌های مرکز آمار ایران برای سال‌های مختلف ارائه شده است.

- نسبت هزینه‌های غیرخوراکی به هزینه‌های خوراکی در دهک اول درآمدی روستایی برای اکثر سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۸ کمتر از یک و در دهک دهم درآمدی روستایی بین دو تا سه برابر هزینه‌های خوراکی است. در بخش شهری نیز هزینه‌های خالص غیرخوراکی دهک اول درآمدی حدود یک و نیم برابر هزینه‌های خوراکی است و این نسبت در دهک دهم درآمدی بیش از ۵ برابر است.

در شرایط فشار، سیاست‌گذاری رفاهی می‌تواند بار فشار را برای دهک‌های پایین سبک‌تر کند و مانع از تعمیق شکاف‌ها و افزایش نابرابری شود. اما، شرایط یک دهه گذشته نشان می‌دهد سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران نتوانسته است در تحقق این اهداف موفقیت چشم‌گیری داشته باشد.

۳-۴. آموزش و بهداشت و درمان

در حالی که مطابق با نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران پیش از انقلاب (۱۳۵۵) نرخ باسوادی کشور برابر با ۴۷٫۵ درصد بود، در دوره بعد از انقلاب هم نرخ باسوادی افزایش یافته و هم نابرابری آموزشی بر مبنای جنسیت و محل سکونت کاهش داشته است؛ اما جوهی دیگر از نابرابری نه تنها پابرجا هستند، بلکه تشدید هم شده‌اند. در دوره پس از انقلاب در حوزه بهداشت و درمان شاهد گسترش زیرساخت‌ها، افزایش دسترسی، بهبود سرانه‌ها و کیفیت خدمات هستیم، اما وضعیت دسترسی به خدمات با کیفیت و میزان مشارکت مالی خانوارها در هزینه‌های بهداشتی در ایران نشان می‌دهد نابرابری در این حوزه همچنان پابرجا است. برای کاهش نابرابری‌ها و ایجاد پوشش همگانی، مداخله دولت برای توزیع ریسک‌ها لازم است. در صورت عدم مداخله دولت، بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها به سمت ارائه خدمات لوکس می‌روند که طبقات پایین نمی‌توانند از آن استفاده کنند؛ این دقیقاً همان نقطه و جایگاهی است که سیاست‌های اجتماعی باید به آن ورود کنند.

۴-۴. مسکن

مسکن یکی از حوزه‌های پرچالش کشور به لحاظ سیاست‌گذاری است و کمترین مداخلات سیاست‌گذارانه در آن شکل گرفته و بیش از دیگر حوزه‌های مورد بررسی فرایند کالایی شدن^۱ را تجربه کرده است. بخش مسکن از دهه ۱۳۷۰ به بعد در اکثر سال‌ها تورم دو رقمی را تجربه کرده است. از آنجاکه مسکن در بخش شهری همواره بین یک‌سوم تا نصف هزینه‌های غیرخوراکی و در بخش روستایی نیز بالاتر از یک‌چهارم را به خود اختصاص داده لذا، تورم این بخش فشار شدیدی را برای خانوارها ایجاد می‌کند. بی‌ثباتی بازار مسکن و نبود سیاست‌های کارآمد توان‌پذیری خانوارها، به‌ویژه گروه‌های فقیرتر، در تأمین مسکن را کاهش و نرخ اجاره‌نشینی را در کشور افزایش داده و، به‌رغم افزایش ۵ میلیونی تعداد واحدهای

1- commodification

مسکونی نسبت به تعداد خانوارها، نرخ اجاره‌نشینی از ۱۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۳۰٫۸ درصد در سال ۱۳۹۵ (نرخ اجاره‌نشینی برای مناطق روستایی در این سال ۱۲ درصد بوده است) رسیده است. این امر نشان‌گر پایین آمدن قدرت خرید و شاخص مسکن قابل استطاعت یا توان‌پذیری مسکن^۱ خانوارها است و اینکه مسکن قابل استطاعت برای گروه‌های کم‌درآمد تولید نشده و ساخت‌وساز به سمت واحدهای متناسب با توان طبقه متوسط به بالا رفته است.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی تجربه کشورهای نفت‌خیز در زمینه استفاده از منابع نفتی در حوزه رفاه و ارائه خدمات رفاهی به شهروندان نکاتی را برجسته می‌کند که تفاوت بین کشورها را در حوزه رفاهی و مدیریت منابع نفتی رقم می‌زند. یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر چگونگی مدیریت درآمدهای نفتی و تخصیص آن به حوزه‌های مختلف بر خورداری از نهادهای قوی و کارآمد و سطح توسعه‌یافتگی کشورها، به‌ویژه پیش از اکتشاف نفت، است. نمونه این کشورها نروژ و کانادا است؛ برای مثال در کشوری مثل نروژ این امر به کمک سیاست‌گذاران آمده است که درآمدهای نفتی را به‌جای اینکه با دست‌ودل‌بازی بیشتری هزینه کنند، آن‌را برای آینده سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های مختلفی برای استفاده دولت از این درآمدها وضع کرده‌اند. چنین دولت‌هایی نمی‌توانند این درآمدها را آزادانه و صرفاً مطابق با خواست خود هزینه کنند. علاوه‌براین، در کشورهایی، نظیر کویت، ایران و نروژ، که دارای صندوق ذخیره برای درآمدهای نفتی هستند، اگر نهادهای قوی و کارآمد وجود نداشته باشد دولت‌ها با سهولت بیشتری به این منابع دست‌درازی می‌کنند، تجربه ایران گویای این امر است. اما وجود نهادهای قوی مانع از این امر می‌شود، نظیر تجربه نروژ. بدین ترتیب، شرایط پیشین (قبل از اکتشاف نفت) و وجود نهادهای کارآمد عامل مهمی در چگونگی مدیریت درآمدهای نفتی به‌شمار می‌روند. در کشورهای دارای ساختار نهادی قوی و سطح توسعه‌یافتگی بالاتر، معمولاً نوعی از تمرکززدایی در ارائه خدمات رفاهی وجود دارد و دولت‌های محلی مسئولیت ارائه مزایای رفاهی را عهده‌دار هستند، اما در سایر کشورها شاهد تمرکزگرایی بالایی در این حوزه هستیم. این تمرکزگرایی با شکل حکومت‌ها ارتباط مستقیمی دارد، در کشورهایی که نهادهای مدنی ضعیف هستند تمرکزگرایی بالاتر است و دولت‌ها در هزینه‌کرد درآمدهای نفتی خودمختارتر.

علاوه‌براین، تعهد نخبگان سیاسی و سیاست‌گذاران به آیندگان نیز امر مهمی در این زمینه محسوب می‌شود؛ درجایی که آیندگان را در منابع نفتی سهیم می‌دانند، سعی می‌شود که با سرمایه‌گذاری این درآمدها نسل‌های بعدی را از منافع آن بهره‌مند سازند و درعین حال در تأمین مالی مزایای رفاهی اتکا

۱- متوسط درآمد خانوار شهری به متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی در نقاط شهری

بیشتری به درآمدهای مالیاتی داشته باشند. این امر اقدام مهمی در همبستگی بین‌نسلی است. کشورهایی که درآمدهای نفتی، بالای ۴۰ درصد درآمدهای آنها را تشکیل می‌دهد معمولاً دورنگری کمتری دارند و با سهولت بیشتری منابع نفتی را در راه رفاه نسل کنونی هزینه می‌کنند و سهم درآمدهای مالیاتی در تأمین مالی مزایای رفاهی و پیوند بین‌نسلی پایین‌تر است. نکته دیگر اینکه کشورهای نفت‌خیز که به توسعه نظام مالیات‌گیری کمتر توجه کرده و مزایای رفاهی از درآمدهای نفتی تأمین مالی می‌شوند «نابرابری» نسبتاً بالایی دارند؛ زیرا در این کشورها مزایای رفاهی فاقد نقش توزیعی بوده و بازتوزیع درآمدی به‌درستی صورت نمی‌گیرد.

کشورهای مورد بررسی دارای سیاست‌هایی در حوزه مسکن هستند تا بتوانند تأمین مسکن را برای اکثریت جامعه تضمین کنند، در حالی که در ایران بخش مسکن نسبت به دیگر بخش‌ها کم‌ترین مداخله دولت را داشته و به‌نوعی دچار رهاشدگی است. به همین خاطر، شاهد بحران‌های مربوط به مسکن هستیم که فشار را بر طبقات متوسط به پایین افزایش داده است. علاوه بر این، تمام این کشورهای نفتی مورد بررسی دارای سیستم بهداشت رایگان هستند و دسترسی شهروندان را به خدمات مرتبط به بهداشت و سلامت فراهم کرده‌اند، در صورتی که در ایران هنوز پرداخت از جیب بیمار بالاتر از میانگین جهانی است و یکی از بالاترین نرخ‌ها را در دنیا داراست. از آنجاکه مسکن و بهداشت بخش عمده‌ای از هزینه‌های غیرخوراکی خانوارها را تشکیل می‌دهد، لذا، عدم وجود سیاست‌های حمایتی کافی از این بخش‌ها فشار مضاعفی را بر دهک‌های پایین ایجاد و نابرابری‌ها را تشدید می‌کند.

همچنین، در تمام کشورهای مورد بررسی بخش آموزش به‌شدت مورد توجه بوده و حتی در این کشورها حوزه آموزش بیشترین سهم را از هزینه‌های رفاهی به خود اختصاص داده است. اما در ایران، آموزش از جایگاهی مشابه کشورهای مورد بررسی برخوردار نیست و حتی در سالیان اخیر شاهد چرخش به سمت کالایی شدن آموزش هستیم.

پرتال جامع علوم انسانی

توصیه‌های سیاستی

سیاست‌های رفاهی در ایران در زمینه تأمین رفاه پایدار برای شهروندان و کاهش نابرابری هنوز دستاورد مطلوب و مورد انتظار را محقق نکرده‌اند و نقش بازتوزیعی آنها ضعیف است. یکی از دلایل اصلی این امر به شیوه تأمین مالی سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی برمی‌گردد. به‌منظور برطرف کردن این نارسایی‌ها در سیاست‌های رفاهی رهنمودهای سیاستی زیر پیشنهاد می‌شود:

- به‌منظور کاهش نابرابری در دستیابی به خدمات رفاهی باکیفیت و جلوگیری از شکاف طبقاتی لازم است که اولاً سیاست‌های رفاهی به‌صورت هدفمند معطوف به حوزه‌هایی که نابرابری در آن بالا است و دهک‌های پایین درآمدی در تأمین آن خدمات با محدودیت مواجه‌اند ارائه شوند. ثانیاً خدمات و مزایای رفاهی به‌گونه‌ای ارائه شوند که هزینه‌های زندگی گروه‌های محروم و فقرا کاهش یابد.

- از آنجاکه بیشترین افت شاخص‌های رفاهی و تشدید نابرابری در هنگام کاهش درآمدهای نفتی رخ داده است، لذا لازم است که در هنگام نابسامانی‌های اقتصادی سیاست‌های اقتصادی خاص آن دوران تنظیم شوند که از کاهش کیفیت زندگی گروه‌های محروم و طبقات پایین‌تر جلوگیری کند و درعین حال به‌عنوان سازوکاری برای جلوگیری از تشدید نابرابری‌ها عمل کند.

- اصلاح نظام مالیاتی، تقویت عدالت در مالیات‌گیری و تأمین مالی سیاست‌های رفاهی از منابع مالیاتی به‌منظور تقویت نقش بازتوزیعی سیاست‌های رفاهی و کاهش وابستگی آنها به درآمدهای نفتی یکی دیگر از سیاست‌هایی است که می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری ایفا کند. لازم به توضیح است که حداقل بخشی از این مالیات‌های دریافتی باید در زمینه ارائه خدمات رفاهی به شهروندان هزینه شود و دولت در قبال هزینه‌کرد این درآمدها پاسخ‌گو باشد. لذا، اصلاح نظام مالیاتی به‌منظور تقویت نقش توزیعی آن، شفافیت و پاسخ‌گویی دولت باید به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرد.

- از دیگر مواردی که در ارائه سیاست‌های رفاهی باید با جدیت بیشتری مورد توجه قرار گیرد تقویت پشتوانه کارشناسی سیاست‌های رفاهی و افزایش پاسخ‌گویی در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات رفاهی به‌منظور افزایش کارآمدی سیاست‌ها است که در ایران به‌صورت جدی مورد توجه نیست.

منابع

۱. امید، رضا، فاطمه مقدسی، محمدباقر امتی، شاهین فاطمی، و جلال کریمیان (۱۳۹۷). فاز یک پروژه تحلیل کنشگران سیاست‌گذاری آموزش در ایران: توصیف وضع موجود نابرابری آموزش در ایران. وزارت تعاون، کار، و رفاه اجتماعی. معاونت رفاه اجتماعی.
۲. عزیزی‌مهر، خیام (۱۳۸۹) دولت و سیاست‌های رفاهی در ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۳. فتح‌اللهی، جمال و سیدمحمدباقر نجفی (۱۳۹۹) تبیین اقتصاد نهادگرایی جدید از آثار درآمدهای نفتی در ایران. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ۳ (۲). ۶۲۹-۵۴.
۴. کارل، تری لین (۱۳۸۸). معمای فراوانی (رونق‌های نفتی، دولت‌های نفتی). ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: نشر نی.
۵. مهرالحسنی، محمدحسین، بهزاد نجفی، وحید یزدی فیض‌آبادی، علی‌اکبر حق‌دوست، مسعود ابولحلاج، مینا انصاری، رضا دهنویه، مریم رضانیان، فرهاد کوهی، محمد جعفری، و مرضیه لشکری (۱۳۹۵)، کل مخارج سلامت و پرداخت از جیب در استان‌های ایران؛ دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۷، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره ۱۲، شماره ۵.
۶. واعظ مهدوی، محمدرضا و زینب واعظ مهدوی (۱۳۹۷) عدالت در سلامت، در آسیب‌های اجتماعی و نابرابری؛ دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران ۱۳۹۶-۱۳۸۸، جلد دوم، مدیر علمی میرطاهر موسوی، تهران، انتشارات آگاه.
۷. بانک مرکزی، ۱۳۹۹. https://cbi.ir/Inflation/Inflation_FA.aspx
۸. اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۹/۴/۳۱
9. Amenta, Edvin, Chris Bonastia and Neal Caren (2001), "US Social Policy in Comparative and Historical Perspective: Concepts, Images, Arguments, and Research Strategies", annual Review of Sociology, Vol.27, pp.213-234.
10. Ben Berick, Aniss, Ahmed Aref & Dana Al-Kahlout (2016) The Impact of Housing Welfare System in Family Formation and Family Dissolution in Qatar, Qatar Foundation Annual Research Conference.
11. Britannica, 2017, Kuwait Health and Welfare, Available at: www.britannica.com, World Health Organization, 2017, Country cooperation strategy at a glance Kuwait, Available at: www.WHO.int
12. Expatica, 2021, Social security and welfare in Russia: rates and benefits explained, Available at: expatica.com.
13. Flora P, Heidenheimer AJ, Eds. (1981) The Development of Welfare State in Europe and America. New Brunswick, NJ: Transaction Book
14. http://samfunnskunnskap.no/?page_id=420&lang=en

15. https://asb.opec.org/data/ASB_Data.php
16. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.DEFL.KD.ZG?end=2020&locations=NO&start=1971&view=chart>
17. <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=NO>
18. <https://data.worldbank.org/indicator/SI.POV.MDIM?locations=NO>
19. <https://tradingeconomics.com/country-list/personal-income-tax-rat>
20. <https://www.macrotrends.net/countries/NOR/norway/gni-per-capita>
21. <https://www.norskpetroleum.no/en/economy/governments-revenues/>
22. <https://www.norskpetroleum.no/en/economy/management-of-revenues/>
23. <https://www.norskpetroleum.no/en/economy/management-of-revenues/>
24. Karlsson, Nils-Petter (2015). Life in Norway today: the comprehensive welfare state heading for an uncertain future? Telemark University College.
25. Kuwait Ministry of Finance, 2018-2021, Fiscal year Budget, Available at: www.mof.gov.kw, World Bank, Kuwait GDP, Available at: data.worldbank.org
26. Lange, Even (2015). The development of the Norwegian welfare state, 1945-1970.
27. Leibfried, S. (1992) Europe's Could-Be Social State: Social Policy in European Integration, in W. J. Adams (ed.) Singular Europe: Economy and Polity of the European Community After 1992. Ann Arbor, University of Michigan Press:97–118.
28. Mahdavy, Hossein (1970). The pattern and Problems of Economic Development in Rentier States; the case of Iran. In Studies in the Economic History of the Middle East: from the rise of Islam to the present day. ed. M. A. Cook. London, Oxford University Press.
29. Majone, G. (1993) The European Community Between Social Policy and Social Regulation. Journal of Common Market Studies 31(2): 153–70.
30. Ministry of Finance of the Russia Federation, 2006-2020, Federal budget of the Russian Federation, Available at: minfin.gov.ru, World Bank, Russia GDP, Available at: data.worldbank.org
31. OECD Data, Social Spending as a share of GDP, Available at: <https://data.oecd.org/>, OECD Library, Society at a glance, Available at: <https://www.oecd-ilibrary.org>, World Bank, Canada Gini Index, Available at: data.worldbank.org
٣٢. Østerud, Øyvind (٢٠٠٥) Introduction: The peculiarities of Norway, West European Politics, 28:4, 705-720, DOI: 10.1080/01402380500216591.
33. Qatar Ministry of affairs: mofa.gov.qa, World Bank: data.worldbank.org

34. Ross, Michael L. (1999). 'The Political Economy of the Resource Curse', *World Politics*, 51:2, 297 – 322.
- 35- Saudi Arabia Ministry of Finance, 2017-2021, Fiscal year Budget, Available at: www.mof.gov.sa, World Bank, Saudi Arabia GDP, Available at: data.worldbank.org
- 36- The Embassy of The kingdom of Saudi Arabia, Education, Health and Social Services of Saudi Arabia, Available at: www.saudiembassy.net
- 37- The Global Economy, Saudi Arabia: income inequality, Available at: www.theglobaleconomy.com/
- 38- The official website of Government of Canada, Canada Welfare System, Available at: www.canada.ca
- 39- Tranøy, Bent Sofus, and Øyvind Østerud, eds. (2001). *Mot et globalisert Norge?* Oslo: Gyldendal Akademisk.
- 40- Wahl, Asbjørn and Gunhild Ørstavik (2003). *The Current Undermining of the Welfare State. The Norwegian Forum for Environment and Development.* Available at: <https://www.social-watch.org/node/10828>.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی